

راه توده

شهره‌مآوران خرم‌آباد ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۳۶۲ مطابق
۲۴ فوریه ۱۹۸۱
سال دوم، شماره ۸۱
پهنا ۴۰ سانتی‌متر

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی کنستانتین اوستینویچ جرننکو!

انتخاب شما را به سمت دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، از صمیم قلب تبریک می‌گویم. کمونیست‌های ایران و زحمتمکشان کشور ما به شما به عنوان شخصیت برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و نهضت بین‌المللی کمونیستی و کارگری که طی فعالیت‌هایش بخش خود در عرصه‌های گوناگون، با پیروی بی‌خداش از اصول مارکسیسم - لنینیسم و انتزاعاً سوسیالیسم پرولتری در تحقق آرمانهای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و پیروزی امر صلح و سوسیالیسم در جهان نقش بسزایی داشته‌اید، ارزش بالایی قائلند.

حزب ما در شرایط سخت و دشوار کنونی، از اینکه از حمایت انترناسیونالیستی حزب لنین برخوردار است، بی‌اندازه حزب ما در شرایط سخت و دشوار کنونی، از اینکه از حمایت انترناسیونالیستی حزب لنین برخوردار است، بی‌اندازه

بقیه در صفحه ۱۳

چگونه حقایق را تحریف می‌کند

یروش وحشیانه به حزب توده ایران، دستگیری، شکنجه، قتل و محاکمه اعضای آن بر پایه اتهامات سخیف پرداخته، سیا و انتلیجنت سرویس ارتباط مستقیم با این سیاست ضد مردمی سران ج ۱۰ دارد. آنچه در کشور ما می‌گذرد صحت این ارزیابی بقیه در صفحه ۸

هجد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از تحلیل همه جانبه اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران در مرحله کنونی به این نتیجه رسید که هیئت‌حاکمه ایران به آماج‌های مردمی انقلاب بهمن ۵۷ پشت‌کرده و بسا چرخش به سوی امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به مصالح عالی کشور خیانت برزیده است.

بن بست نظامی جنگ ایران و عراق،

با رقابت بن بست سیاسی حاکمیت در مانده ج ۱ است

هفته گذشته حمله بزرگ نیروهای ج ۱۰ ایران به خاک عراق، که ظاهراً این بار نیز می‌بایست ضربه آخر بر پیشر رژیم عراق باشد، باز هم بدون پیروزی نظامی چشمگیری برای حاکمیت ج ۱۰ خاتمه یافت.

هدف اصلی عملیات موسم به "الفجر - ۵"، اشغال جاده استراتژیک بصره - بغداد بود. اما نیروهای ایران در ارتفاعات مرزی و کشور متوقف شدند. هزاران تن دیگر از زحمتمکشان د و کشور قربانی این زور آزمای نظامی شدند. مدتها پس از دیگر از غیر نظامیان شهرهای مرزی و کشور کشته و زخمی شدند و میلیونها دلار خسارت اقتصادی بر خسارات پیشین افزوده شد.

به این ترتیب، فرسایش باز هم بیشتر نیروی انسانی، بنیه اقتصادی و توان نظامی د و کشور، تنها نتیجه چشمگیر درگیری اخیر بوده است.

از پس جنجال‌های تبلیغاتی سزان ج ۱۰ در باره "فتوحات لشکریان اسلام"، واقعیات تلخ باردیگر آشکار می‌شوند. پیش از آغاز حمله رئیس جمهور خامنه‌ای می‌گفت:

"ملت آماده باشند، نیروها به جیبه بروند، باید ضربه آخر را بر پیکر رژیم عراق وارد آورد" (اطلاعات - نماز جمعه - ۵ بهمن ۶۲).

و آقای رفسنجانی تکرار می‌کرد:

"امید داریم که این مرحله از جنگ آخرین مرحله باشد. شما به تمام دوستان و همزمانان تأکید کنید که این بار کار جنگ را تمام کنند" (کیهان ۱۹ بهمن ۶۲).

اینک پس از آن که آتش جنگ در جیبه‌ها بقیه در صفحه ۲

کارنامه سیاه وزیر کشاورزی

ضمیمه دهقانی:

در صفحات بعد

نگاهی به مسائل و مبارزات دهقانان و نقش حزب توده ایران

زنان کارگر به دفاع از منافع صنفی، حقوقی و ویژه خود برمی‌خیزند

صفحه ۷

کارگران و تهیه پیش نویس قانون کار

صفحه ۵

مردم مترقی جهان:

احکام صادره علیه افسران میهن دوست و توده‌ای‌های در بند، ناقض موازین انسانی، حقوقی و بین‌المللی است

صفحه ۳

در زندانهای ج ۱. قانون جنگل حکم فرماست

● در این نبرد نابرابر، بازنده نهایی سرکوبگران خلق اند

سازی، انسان سازی، تعلیم، تربیت، تهذیب، تزکیه، و تحکیم پیوند های انسانی هستند.

اوبا تکیه بر "قدرت" سیاه خفقان و سرکوب، آشکارا اعلام می‌کند قادر است، هر کسی را در عرض ۳ ماه، انسانش کند!

این قدر قدرت نمائش استوار بر قانون جنگل بقیه در صفحه ۴

آقای لاجوردی، دادستان انقلاب اسلامی مرکز در گفتگوش با خبرنگاران خارجی گفته است:

"ما آدم‌های مسخ شده را انسان ساختم. (اطلاعات - ۲۴ بهمن ۶۲) و ادعا می‌کند:

"... که در ۱۰-۱۰ زندان‌ها همانند بیمارستانها، وظیفه درمان روحی - اخلاقی زندانیان را به عهده دارند و مراکز اصلاح، باز-

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

بن بست نظامی جنگ ایران و عراق، بازتاب بن بست سیاسی حاکمیت در مانده ج.ا. است

دوباره فروکش کرده است، و بیماریان مردم بی دفاع شهرها، با توافق دو طرف موقتاً قطع شده است، آقای خاتمی دوباره می‌گوید:

"جنگ مردم را خسته نکرده است... مردم ممکن است که سختی‌ها و فشارها را تحمل کنند، اما ممکن نیست در مقابل موج استتبار شکست بخورند، و ما قطعاً پیروزیم."

رزمندگان ایران منتظر اشارهای هستند تا آخرین ضربه را بر حکومت عراق وارد سازند (راديو ایران - ۲۷ بهمن ۶۶).

جنگ بیهوده فرسایشی و تحمیل این قاجعه انسانی و اقتصادی به مردم ستم دیده ما می‌کشاند.

خواست صلح عادلانه، باخواست نجات انقلاب بهمین از خطر نابودی نهایی با اتحاد تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست پیوند خورده است

در این شرایط، مردم ما به تجربه عینی بیش از پیش به حقانیت هشدار مسئولان و تاریخی نیروهای پیگیر انقلابی، و پیشاپیش آنها حزب سوسیالیست

همگانی مردم، و تلاش برای بسیج همه جانبه همه نیروها در راه تأمین آن، بیانگر میزان احساس مسئولیت و وفاداری آنان به آرمان‌های انقلاب شکوهمند بهمین، و منافع مردم و مصالح میهن است.

تعیین توده‌های مردم برای دست یابی به صلح عادلانه تا آن حد گسترده است که نمایندگان جناح‌های مختلف سرمایه‌داری ایران تمایلاتی برای جدا کردن حساب سیاسی خود از جنگ طلبان حاکم از خود نشان داده‌اند و تدارک معاملات سیاسی آینده با جنبش صلح خواهانه

و این داستان دنباله داری است که در ۲۰ ماه اخیر همواره همین مضمون را داشته است.

سران ج.ا. همواره پس از هر شکست، پیروزی نهایی را به حمله بعدی موعول کرده‌اند و از پذیرش بن بست نظامی جنگ طفره رفته‌اند. در حالی که حتی نامی که بر عملیات اخیر گذارده شده است (والفجر - ۵) خود بهترین نمودار بن بست نظامی جنگ است. پس از شکست‌های سنگین نخستین حملات توسعه طلبانه به خاک عراق، سران ج.ا. وعده دادند که طی عملیات موسوم به " والفجر " کار جنگ را یکسره کنند. شکست عملیات " والفجر " تنها به تغییر سیاست نامگذاری حملات انجامید. و پس از شکست هر یک از مراحل ۵ گانه عملیات والفجر - که خود طی مراحل جداگانه‌ای انجام گرفت، سران ج.ا. وعده پیروزی قطعی در حمله بعدی را داده‌اند. این تسلسل باطل خود به منزله اعتراضیه بیهودگی و بی سرانجامی این جنگ خانمانسوز است.

اصرار لاجوجانه بر ادامه جنگ، در شرایط بن بست نظامی، بازتاب مستقیم بن بست سیاسی حاکمیت ج.ا. است که در مانده در بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی عمیق و گسترده حاکم بر کشور، سرنوشت خویش را با سرنوشت این جنگ بی سرانجام که جز به سرد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع منطقه و سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ ایران نپوده و نیست، پیوند زده است.

سران ج.ا. که با روی گرداندن از آماج‌های اصلی انقلاب شکوهمند بهمین، با احمقانه‌ی نظام منحط سرمایه‌داری وابسته و نوسازی وابستگی اقتصادی و نظامی به امپریالیسم جهانی با نارضایتی روز افزون زحمتکشان کشور روبروست، نگرانی خود را از آنکه با شکست قطعی سیاست جنگی شوونیستی خویش، با ورشکستگی کامل سیاسی و روبرو شوند، پنهان نمی‌کنند. هراس ناشی از احساس این بن بست سیاسی است که آنان را به لجاجت غیرمنطقی در ادامه این

ارمغان این جنگ بی سرانجام که هر روز انسانهای بیگناه بیشتری را به کام خود می‌کشد، برای مردم ما چیست؟

ایران، و سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبنی بر لزوم خاتمه دادن به جنگ که مدت‌ها پیش، در تابستان ۱۳۶۱ و پس از شکست نظامی همه جانبه تجاوز امپریالیستی عراق عنوان شده بود، بی‌پایه و اساسی در آن زمان دست یابی به صلح عادلانه را برای تثبیت و تحکیم و پیشبرد دستاوردهای انقلاب ضروری دانسته بود. اینک سیر رویدادها - حقانیت نظر حزب ما را اثبات می‌کند. خواست صلح از سوی توده‌های مردم، با خواست نجات انقلاب از خطر نابودی کامل پیوند می‌خورد. و تحقق صلح عادلانه با اتحاد تمام نیروهای مترقی و ضد امپریالیست بیش از پیش به شرط قطعی نجات و تداوم انقلاب تبدیل می‌شود.

در شرایط حساس کنونی، پاسخ‌گویی نیروهای پیگیر خلقی و ضد امپریالیست به این خواست

مردم را می‌بینند. عدم تحریک کافی نیروها؛ پیگیر انقلابی، به این نیروها اجازه خواهد داد که از نارضایتی توده‌ها از جنگ به سود تریب اعتبار سیاسی از دست رفته خویش سو استفاده کنند.

امروز تشکیل و انسجام جبهه متحد خلق نه تنها ضامن نجات دستاوردهای انقلاب نابودی قطعی، بلکه تنها ضامن پایان دادن این جنگ بیهوده و تأمین صلح عادلانه است. تاریخ هیچ‌گونه تزلزل و تردیدی را بر انقلاب راستین، در راه تحکیم وحدت عمل همه نیروها ضد امپریالیست و میهن دوست، و ارتقاء وحدت عمل تا سطح تشکیل جبهه متحد برای نجات انقلاب بهمین و تأمین عدالت اجتماعی و صلح برای مردم ایران، نخواهد بخشید.



بسته

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید

مردم مترقی جهان: احکام صادره علیه افسران میهن دوست و توده‌ای‌های دریند، ناقض موازین انسانی، حقوقی و بین‌المللی است

اتریش

به دنبال اعلام رأی دادگاه‌های فرمایشی علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران، روز ۲۵ ژانویه (۵ بهمن) هیأتی از جانب "انجمن حقوق دانان دمکرات" اتریش که حامل درخواست نامه و طوماری اعتراضی با امضای بیش از ۴۰۰ نفر از مردم مترقی این کشور بود، به سفارت ایران در وین مراجعه کردند و مدارک فوق را تحویل مقامات سفارتخانه دادند.

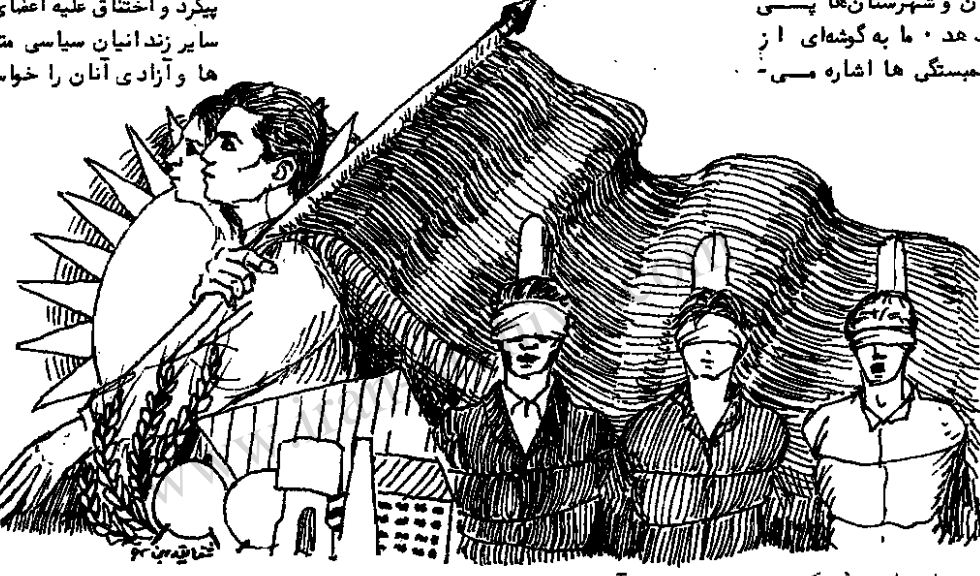
"انجمن حقوق دانان دمکرات" طی این بیانیه اعتراضی، خواستار پایان دادن به موج پیگرد و اختناق علیه اعضای حزب توده ایران و سایر زندانیان سیاسی مترقی، قطع فوری شکنجه‌ها و آزادی آنان را خواستار شده‌اند و تأکید کرده‌اند، محاکمات بایستی در دادگاه‌های علنی و با حضور ناظرین بین‌المللی برگزار شود و حقوق متهمان کاملاً رعایت گردد.

مطبوعات اتریش نیز اخبار مربوط به دادگاه‌ها و انعکاس خبر حکومت‌های سنگین

ایران، مبنی بر دعوت به تشکیل جبهه متحد خلق و لزوم برپائی آن، جهت تحقق آرمان‌های انقلابی مردم ایران، به چاپ رسیده است.

دانمارک

در هفته‌های اخیر، مطبوعات دانمارک جریان دادگاه و غیر احکام سنگین علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران را منتشر ساخته‌اند. از جمله روزنامه "لند ووالک"، ارگان حزب کمونیست این کشور ضمن چاپ مقاله‌هایی در این باره، علناً سرکوب حزب توده ایران و تاریخچه



شهادتین ۳۰

این متهمان به تفصیل منتشر ساخته‌اند. از جمله فولکس اشتیمه، ارگان حزب کمونیست این کشور، به درج اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در این باره در روزنامه پراودا اشاره نموده و تفسیری ارائه داده است.

آلمان فدرال

در مراسمی که روز ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد استقرار فاشیسم در آلمان فدرال، از طرف "بازمان ضد فاشیست‌ها و کسانیکه تحت پیگرد نازیهای قرارداد هستند" در شهر هامبورگ برگزار گردید، بیش از ۵۰۰ تن از شخصیت‌های برجسته و نیروهای دمکرات حاضر داشتند. شرکت‌کنندگان در این مراسم بقیه در صفحه ۱۰

مبارزاتی آن و نیز یورشهای ارتجاع به حزب را در دوران سلطه استبداد پهلوی مورد بررسی قرار داده، سیاست کنونی حاکمیت ج ۱۰۱۰ را در کلیه زمینه‌ها - به ویژه سیاست ادامه جنگ - به عنوان ابزاری برای تحکیم قدرت ارتجاع، ارزیابی نموده است.

آنگاه، وضعیت زندانها و شکنجه‌هایی که در مورد زندانیان اعمال می‌گردد، افشا گردید و ضمن مردود شمردن احکام صادره از دادگاه‌های نظامی ج ۱۰، پشتیبانی هر چه وسیع‌تر محافل دمکرات جهان از متهمان و کلیه زندانیان سیاسی مترقی و اقدامات هر چه سریع‌تر آنان، جهت نجات جان مبارزین میهن دوست و ضد امپریالیست ایران، خواسته شده است.

یونان

ریزوس پاستیس، ارگان حزب کمونیست یونان در تاریخ ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن) طی چاپ مقاله "میسوطی به مناسبت فرارسیدن سالگرد انقلاب بهمن ۵۷، سیر نزولی انقلاب و سیاست

های خیانت‌بار حاکمیت ج ۱۰ را بررسی کرده و قربانی کردن نمونست‌ها را در خدمت پیشبرد اهداف امپریالیسم و ارتجاع و به منظور نابودی کامل انقلاب ارزیابی کرده است.

در این مقاله همچنین، ضمن درج قسمتهایی از اعلامیه کمیته مرکزی پیرامون رأی دادگاه‌های نظامی، مبنی بر محکومیت‌های سنگین علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران، این احکام را مردود شناخته و ضمن تأکید بر اهمیت تشدید همبستگی بین‌المللی در نجات جان این افراد از لویه نیروهای دمکرات و بشردوستان خواسته شده است، در این زمینه، بر تلاش‌های خود بیفزایند.

در این مقاله، هم چنین گوشه‌هایی از قطع‌نامه "پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده"

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

در زندانهای ج. ا. قانون جنگل حکم فرماست

• در این نبرد نابرابر، بازنده نهایی سرکوبگران خلق اند

بقیه از صفحه ۱

حاکم برج ۱۰۰ زندانهای آن را چگونه می توان توجیه کرد؟! آنچه مسلم است، آنست که در پی این عبارت پردازی های "انسان سازانه" و "اصلاح کارانه" و "مذهب پرورانه" و "واقعیت شوم و طاقت سوز زندگی هزاران زندانی سیاسی ای نهفته است که اکنون سرنوشت تلخ آنان به دست جلادانی ضد بشر و سپاه دل سپرده شده ، زندگی ای که - در "پرورشگاه های اسلامی" با شکنجه و تعزیر و تقتیل و اجسرای نیایش صبحگاهی " و حضور اجباری در کلاس های "آموزش ایدئولوژیک" ذره ذره می پزند .

بی شبهه ، آن چه حاکمان روبرفته از خلق ج ۱۰۰ را به سوی اعمال این شیوه های فاشیستی سوق می دهد ، از یک قانقرا یای سیاسی و اخلاقی سرچشمه می گیرد که تجاوز به همه آداب و موازین انسانی را مجاز می شمرد و تخلف نا - مشروع از حقوق بشر و آئین های پذیرفته شده از جانب تمامی جوامع تمدن را ممکن می سازد .

این شیوه ضد انسانی در واقع نقطه پایان منطق حاکمیتی است که پشتیبانی نه در میان مردم ، بلکه در بین دشمنان مردم جستجو می کند ؛ انعکاس ضعف و ورشکستگی سیاست گزارانی است که یارای مقابله مردانه و اصولی با نیروهای بالنده و پیشرو را ندارند ؛ ترجمان مستقیم بربر و مقاومت ها و ناراضی های مردمی است که حقوق طبیعی و انسانی خود را می طلبند ، نه پیش .

حقایق تکان دهنده ای که از ورای دیوار های بلند شکنجه گاه های رژیم و اطاق های تمشیت به بیرون راه می یابد ، از ظلمت غلیظ و خویشی که بر زندگی زندانیان سیاسی سنگینی می کند ، حکایت دارند . تودهای ها و فدائیان و مجاهدین ، اولین قربانیان شر قاهری هستند که سرشت زندانیان و شکنجه گران دست آموز سیا و ساواک را با آن ساخته اند . در زندان های ج ۱۰۰ اعمال شکنجه و عذاب ، در هیچ مرحله ای قطع نمی شود . شکنجه های جسمی و روانی طاقت شکن از قبیل شلاق زدن با کابل های برق ، سم یکسل ماشین و حتی میله های آهنی ، استفاده از آپولو ، آویزان کردن ، تحمیل بی خوابی ، مُتد ، تزریق مرفین و ایجاد اعتیاد ، تجاوز به زندانیان ، بستن چشم ها و گوش ها ، برپائی صحنه های نمایشی اعدام ، کندن پوست زندانیان و گرفتن خون از آنان در کنار تیسل پایمان ناپذیر تحقیر و توهین ، قطع جیره ، روزانه کودکان و اطفال شیرخوار زندانیان ، به نمایش گذاشتن اجساد اعدام شدگان و وادار کردن زندانیان به جمع آوری اجساد تیرباران شدگان ، کوشه کوشی از جهنم زندانهای است که جلاد شیرسر اوین به آن عنوان "پرورشگاه" و "بیمارستان روحی - اخلاقی" داده است . در کنار این

در هم کوی جسمی و روانی که همانند بازداشتگاه های مرگ هیترری به کوچکترین بهانه ای انجام می گیرد ، محض در جلسات به اصطلاح آموزش ایدئولوژیک شرکت در مراسم سینه زنی و عزاداری هر روزه ، گوش دادن به "موظفه های" ضد اخلاقی و مروجان "اخلاق اسلامی" ، شرکت

تقدیم به زندانیان تودهای در ایران

منظومه ای برای زندانی

ببیندیش به آنی که بیگناه در بند است
آنگاه که هنوز آزادی!

ببیندیش به آنی که بار سنگین بیداد را
بر شانه هموار می کند!

برگرستی اش اندیشه کن ،

هنگام که در خموشی ، لغه فرو می دهی!

بر تشنگی اش اندیشه کن ،

هنگام که آبی زلال

بر گلگداهت ترانه می خواند!

اندیشه کن به نفس های گرفته و اسپین او

آندم که دم ، تازه می کنی!

ببیندیش به بیداری های شبانه او

که خواب ، بوسه ایست ،

آنگاه که بر پیشانی دخترک خفته است بوسه می نهی!

پس غنیمت شمار بی نیازی را

نگهبان باش آب را و نان را

فرصت شمار هوا را

و گرمی شیرین کاشانه را!

خرده نانی راحتی بپیموده مینداز

چرا که او گریه است

مبادا چکه آبی هدر شود

که او از تشنگی می سوزد .

غنیمت شمار آسمان را

که زندانی غمگین در آرزوی یک پاره آنست

نگهبان باش همه چیز را جز سکوت

چرا که سکوت همدست جلادان است!

بیا با خشم و با نفرت ، ترانه بخوانیم

که عشق به انسان ، لگد کوب زرگیان است .

x x x

آنگاه که هنوز آزادی

ببیندیش به آنکس که بیگناه در بند است!

شاعری از آمریکای لاتین

در جلسات "توبه" که با ترجیح بند " گناهکارم ، من گناه دارم" ، آغاز می شود و پایب می گیرد ، از برنامه های روزانه و اجباری زندانها سیاسی است .

به این ترتیب ، حتی یک لحظه از ریز و شد سپاه این دربندان ، به خودشان تحلق نداد آرامش و راحتی جسم و روان ، در اضطراب تب آلود محیط پر تشنج زندان محو می شود . دروا باید گفت تلاش زندانبانان ج ۱۰۰ نه در جهت انسان سازی ، بل در سمت هیچ ساختن او با عنوان یک انسان است . هوای مسموم و سنگین این "بیمارستان" ، زهری است که هر لحظه زندانیان را به خموشگاه عدم می کشاند و باز به زندگی تیره و دوزخ زندان باز می گرداند: بای در درون مرگ زیست!

این زنجیره عذاب و شکنجه و تحلیل روح تا آخرین لحظه با قربانیان قساوت مأمورا

ج ۱۰ همراه است؛ هیچ مبارزی ، حق شعس دادن هنگام تیرباران شدن را هم ندارد . ای ندای حق طلبانه محنتی در آستانه شهادت ه

برای جلادان ضد بشر ج ۱۰ ، مطمئن شوی دار آنها قربانی خود را به چوبه های مرگ می بندند

ابتدا تیرهای هوایی و یا گلوله هایی به پسا

ران آنها شلیک می کنند و اگر دهان محکومی پرا

شعار دادن کشوده شود ، او را هم چنان خون آلود به دخته های سپاه بازمی گردانند تا به تمام

" تربیت" و " تهذیب" شود و پس از آن تزکیه

شده ، در برابر جوخه های اعدام بایستد . ناگفته پیداست ، دامنه این قساوت در زندانها

با دیوانه سری پیش مانا نهای به خانواده زندانها نیز کشیده می شود . علاوه بر اعمال تهدید

ارطاب ها ، بازداشت های گاه و بیگاه ، آخرا شدن ها از محل کار و تحصیل به جرم داشتن

پیوند های خانوادگی با زندانیان و ... هر از چندگاهی ، این وان قربانی را با سر و رو ، آشفته ، حالتی نامتعادل و پریشان و البته د

معیت چند پاسدار و ۳ به دست نزد خانواد های زندانیان می برند و بر رنج و اندوه و حرما

و اضطراب آنان می افزایند . تصویر این اصطلاح دیدارها که به جای تسکین ، آتش در سکون

پر درد خانواده ها می افکند ، قلب هر انسان بی وجدانی را می تشارد .

اما با همه این ها ، آن که در این میسان سازنده است ، همانا حاکمیت ج ۱۰ است که تقار

می کند ، با این سلاخی های جسمی و روحی توان مردم را در مبارزه علیه بیداد تحلیل برد

پایداری آنان را در حق طلبی و عدالت جوشی بشکند و تسلیم به سرنوشتی تیره و مرگ آفرین را

تنها راه چاره بشناسند . تقلائی مذبحانهای که همه جباران تاریخ آن را آزمودند و سرانجام عیب بود نش را با گرفتار شدن به لعنت ابدی خلق دریافتند .

کارگران و تهیه پیش نویس قانون کار

امکان مشارکت واقعی در سرنوشتشان را خواهند داشت ؟
میلیونها بیچاره چگونه خواهند توانست در تدوین قانون کاری که بر سرنوشت آنان نیز حاکم خواهد بود ، شرکت کنند ؟

از سوی دیگر ، ۱۶۰ سندیکای سرمایه داران ، که نه منحل شده و نه طاغوتی قلمداد می شوند ، از طریق اتاق بازرگانی و همراه با دیگر تشکلهای کارفرمایان ، از قبیل انجمن مدیران ، فعالان در تدوین قانون کار ، در جهت منافع سرمایه داران ، شرکت داشته اند !

اگر حتی ادعای وزیر دار در مورد بی طرفی بین کارگران و سرمایه داران صحت داشته باشد ، باید به کارگران نیز امکان و فرصت کافی در این مورد داده شود . ظاهرا بهانه وزارت کار برای جلوگیری از شرکت کارگران در تهیه قانون کار ارائه هر چه زودتر این پیش نویس به مجلس شورا است . این طریقه پیدا است به اعتقاد آنها مجلس دوره بعد ، بعد با ترکیب ارتجاعی تر خود ، مسلما قانون کاری را به تصویب خواهد رساند که به مراتب منافع سرمایه داران را بیشتر مد نظر دارد و مصالح کارگران را بیشتر زیر پای می گذارد . تجربه کارگران ثابت کرده است که تنها آگاهی و قدرت آنها ضامن تصویب یک قانون کار مترقی است . کارگران یک بار در سال پیش با قدرت خود ، جلوی تصویب پیش نویس قانون کیار توکل را گرفتند .

اکنون نیز
کارگران هشیارند و هیچکس نمی تواند سرنوشت آنها را به بازی بگیرد . کارگران خواهان آن اند که فرصت و امکان داشته باشند تا با تشکیلات جلسات بحث و بررسی در سطح کارگاه ، منطقه ، استانی و سراسری ، خواستههای مشترک خود را در مورد اصول و مواد پیش نویس قانون کار اعلام کنند . کارگران می دانند که بدون مشارکت واقعی و فعال آن ها ، سرانجام همان نظرات سرمایه داران بر سرنوشتشان حاکم خواهد شد .
ما در این زمینه باز هم صحبت خواهیم کرد .



کارگران و زحمتکشان!
برای نجات انقلاب متحد شوید!

در این هفته پیش نویس قانون کار از طرف وزارت کار در اختیار مطبوعات قرار گرفت . همچنین از طرف این وزارت خانه اعلام گردید که روز ۶ اسفند سمیناری به منظور کسب نظرات کارگران برگزار خواهد شد .

در مورد روح حاکم بر این پیش نویس ، وزیر کار صریحا گفته است :

" برخلاف قانون رژیم گذشته که بیشتر مبتنی بر ارتباط و اختلاطات کارگران و کارفرمایان بود ، در این لایحه با یک دید و با یک شرایط به هر دو توجه شده است " (اطلاعات ۱۹ / ۱۱ / ۶۲) .
نگاهی به روند تدوین این قانون کار ، نشان می دهد که وزارت کار در جریان تدوین پیش نویس قانون کار ، بی طرفی ادعائی خود را کسب کرده ، دست کارگران را بسته و دست سرمایه داران را برای مشارکت در تهیه قانون کار ! باز گذاشته است .

قانون کار مهم ترین قانونی است که با سر نوشت کارگران بستگی دارد . مهم ترین مسائل کارگران از قبیل دستمزد ، حق کار ، بیمه ، بازنشستگی و غیره توسط این قانون تعیین خواهد شد . بنابراین حق طبقه کارگر ۵ میلیونی است که با تمام توان و امکانات خود در تدوین قانون کار شرکت جوید . ولی وزارت کار ، به جای اینکه امکانات لازم برای مشارکت جوده های وسیع کارگر و به ویژه نمایندگان واقعی آنان را فراهم کند ، تمام تلاش خود را صرف انحلال سازمان های صنفی کارگری و طاغوتی نامیدن آنها کرده است . شورا های کارگری نیز زیر فشار دام کارفرمایان امکان عملی و مستقل خود را برای شرکت در این امر حیاتی از دست داده اند .
در چنین شرایطی ، آیا تشکیل سمینار یک روزه ، برای شرکت کارگران در تدوین قانون کار ، به سرفه گرفتن کارگران نیست ؟

آیا بدین ترتیب میلیونها کارگر کشتافهزی و ساختمانی و صنوف مختلف که در اقصی نقاط کشور کار می کنند و رنج می کشند و اکثرا بی سواد اند ،

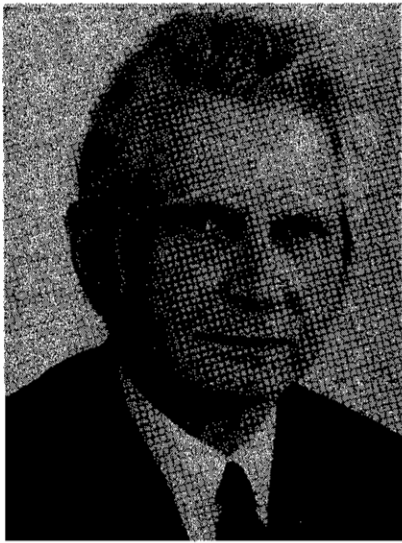
توس حاکمیت از آگاهی طبقه کارگر

اتحاد آنها است . حمایت از همین قدرت اتحاد کارگران می ترسد .
کارگران همواره بر این بوده اند که به عنوان مهم ترین و بزرگ ترین طبقه ایران ، باید سهم شایسته خود را در رسانه های گروهی داشته باشند . کنگره پنجم شوراها صریحا صدرا و سیما ج ۱۰ را مورد انتقاد قرار داد که فیلم برداران و مخبران خود را به کنگره نفرستاده است .
منافع مشترک طبقاتی کارگران آنها را می دارد تا از فعالیت ها ، مبارزات و تجربیات یکدیگر با خیر شوند . کارگران با آگاهی خود و استفاده از تمام شیوه های ممکن این توطئه سکوت حاکمیت را نیز با شکست مواجه خواهند کرد .

خود را حذف کرده است .
تمام اینها کارگران را به یاد دستور العمل های ساواک می اندازد . کارگران به خوبی به یاد دارند که رژیم شاه چگونه ، به دلیل ترس از شکستن دیوار فریب و دروغ خود ، از پخش اخبار مربوط به مسایل و مبارزات کارگران جلوگیری می کرد . اکنون نیز حاکمیت ج ۱۰ به دلیل پشتب کردن به کارگران و زحمتکشان ، از آگاهی آنان به شدت می ترسد و همان شیوه ها را به کار می برد . حاکمیت می داند که قدرت کارگران در همبستگی و

رسانه های گروهی ج ۱۰ درهای خود را به روی کارگران بسته اند . آنها دستور صریح دارند که هیچگونه اخبار کارگری را بدون کنترل مأمورین امنیتی منتشر نکنند . مسئولان مملکتی حتی از بر زبان آوردن کلمه " کارگر " با دارند در صفحات متعدد روزنامه های رسمی ، حتی صفحاتی که عنوان کارگر دارند ، اثری از اخبار کارگری به چشم نمی خورد . برنامه نیم ساعته " کار و کارگر " رادیو عدالت به گفتگوی مدیران اختصاص دارد . سیما ج ۱۰ که اصلا بدتها است برنامه کارگری

رفیق رضاراد منش از میان ما رفت



۱۳۶۲-۱۳۸۴

به نمایندگی مجلس انتخاب شد . کنگره اول حزب در سال ۱۳۲۳ رفیق راد منش را به عضویت کمیته مرکزی و کنگره دوم حزب در سال ۱۳۲۶ او را به سمت دبیر اول کمیته مرکزی برگزید . تا سال ۱۳۴۹ رفیق راد منش دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران بود . بعد از غیرقانونی شدن حزب در سال ۱۳۲۷ ، رژیم شاه رفیق راد منش را غیاباً محکوم به مرگ کرد . در طول تمام این سالها ، رفیق راد منش با تمام نیروی جسم و جان خود در اختیار حزب بود و در شرایط بسیار دشوار همیشه وفاداری کامل خود را به اصول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری به اثبات رساند . او یک میهن دوست بزرگ ، یک انقلابی آزاد ، و یک انسان شریف ، نجیب و فروتن و یک پدر مهربان و غمخوار بود . او ایران را تنها سرحد پرستش دوست داشت و بزرگداشت تاریخ ، فرهنگ و مظاهر تمدن ارزشمند و کهن سالان را از وظایف تخلفناپذیر کمونیستی خود می-شمرد . او سالیان دراز به عنوان پرچمدار حزب ، آماج ناروا ترین حملات دشمنان حزب بود ، و ی

کمیته مرکزی حزب توده ایران با تأسف و اندوه فراوان به اطلاع رفقای حزبی و تمام زحمتکشان ایران می‌رساند که روز دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۲ رفیق دکتر رضا راد منش دبیر اول سابق کمیته مرکزی حزب توده ایران ، از رهبران برجسته جنبش کمونیستی و کارگری کشور ، و از فعالین جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری ، پس از یک بیماری طولانی زندگی را به درود گفت . رفیق رضا راد منش در سال ۱۲۸۴ به دنیا آمد و از اوائل جوانی به جنبش انقلابی و کارگری ایران پیوست و تا باز پسین دم زندگی به اید الهای ولای طبقه کارگر وفادار ماند . دردوران حکومت مطلقه رضا شاه ، رفیق راد منش به جرم فعالیت انقلابی به زندان افتاد و مدت پنج سال از زندگی خود را در پشت دیوارهای زندان استبداد گذراند . پس از آزادی ، یز زنون در سال ۱۳۲۰ ، رفیق راد منش از بنیان گذاران حزب توده ایران بود . در انتخابات دوره چهاردهم مجلس رفیق راد منش از اهلیجان

هرگز پای مقاومت سست نکرد ، هرگز در برابر حملات دشمنان نلرزد و هرگز از اصول مسرد اعتقاد خویش بازنگشت .

رفیق راد منش نه تنها یک رجل برجسته سیاسی بود ، بلکه در زمینه علمی نیز مقامی شامخ داشت . او وجود اشتخالات سیاسی ، همیشه رابطه خود را با رشته تخصصی اش ، یعنی فیزیک مدرن حفظ کرد و در سالهای اخیر که فراغت بیشتری داشت در این زمینه به کوشش‌هایی ارزنده دست زد .

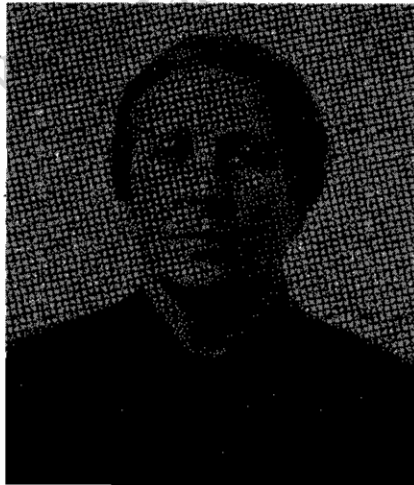
حزب توده ایران با از دست دادن رضا راد منش یکی از گرامی ترین فرزندان خویش را از دست داده است . وی نام او و یاد او ، در دل‌های زحمتکشان ایران و در تاریخ حزب ، جاوید خواهد بود . رفیق رضا راد منش تا باز -

پسین دم زندگی همیشه به حزب می‌اندیشید و به یاد ایران بود ، به یاد کشوری که ما توده‌ای‌ها سرتاپای زندگی خود را در راه استقلال ، آزادی ، سرلندی و ترقی آن نهاد ایم . او از حوادث غم انگیزی که در کشور ما می‌گذرد ، به شدت رنج می‌برد و یاران خود را به صبر ، پایداری و مبارزه می‌خواند . او هرگز نمیدی به خود راه نداد و هرگز اندویش به سرخوردگی بدل نشید . او اطمینان قطعی داشت که این شب یلدای پر اندوه ، دیر یا زود به سپیده دم خواهد پیوست و از میان صیرانه‌های ایران اسیر و بهت زده امروز ، ایران آزاد ، آباد و سرفراز فردا قامت راست خواهد کرد . دریغا که او رفت و آن روز را ندید . کمیته مرکزی حزب توده ایران یاد رفیق رضا راد منش ، این انقلابی شریف و پایدار و ایستاد میهن دوست بزرگ را گرامی می‌دارد و در برابر خاطره پاک او سر تعظیم فرود می‌آورد . نام او همیشه در دل‌های آنان که به آرمان‌های ولای طبقه کارگر وفادارند و ایران را دوست می‌دارند ، باقی خواهد ماند .

ما درگذشت رفیق رضا راد منش را به همسر و فرزندان گرامیش صمیمانه تسلیت می‌گوئیم و برای آنها شکیبائی آرزو می‌کنیم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۵ بهمن ۱۳۶۲

رفیق جمیله صدیقی درگذشت!



اطلاع یافتیم که روز جمعه ۲۱ بهمن ۱۳۶۲ ، رفیق جمیله صدیقی ، از پیشکسوتان جنبش کمونیستی در ایران و مبارز برجسته ، راه کسب حقوق اجتماعی برای زنان ایرانی در سن هشتاد سالگی در گذشته است .

رفیق گرامی ما جمیله صدیقی ، در سال ۱۲۸۲ در شهر رشت زاده شد . او در هفده سالگی یعنی در سال ۱۲۹۹ فعالیت‌های حزبی و اجتماعی خود را آغاز کرد . پیسش از عضویت در حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ ، رفیق جمیله عضو حزب کمونیست ایران بود و فعالیت گسترده‌ای در زمینه بیدار کردن زنان برای دفاع از حقوق حقه انسانی خویش آغاز کرده بود . بر اثر همین فعالیت‌ها رفیق جمیله دوبار به زندان ارتجاع ایران افتاد : بار اول چهار سال و بار دوم یک سال در زندان بود و سپس او را تبعید کردند .

پس از شهریور ۲۰ سقوط دیکتاتوری رضا خانی ، رفیق جمیله به حزب توده ایران پیوست و از آنجا که مبارزه در راه احقاق حقوق زنان را امری ضروری می‌دانست فعالیت خود را در این زمینه متمرکز نمود . او مدتی مسئول تشکیلات زنان ایران بود و در چندین کنگره جهانی زنان به عنوان نماینده زنان مترقی و دمکرات ایران شرکت کرد . چهار سال پس از کودتای امیریان لیستی ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ ، رفیق جمیله که سخت مورد پیگرد بود از جانب حزب به خارج از کشور فرستاده شد .

او پس از انقلاب بهمن ۵۷ به علت کهولت و بیماری نتوانست بلافاصله به وطن بازگردد و بعد ها به دلیل حاکم شدن مجدد عناصر قشری و ارتجاعی بر کشور که دشمنان سرگند خورده زنان آزادی خواه و روشنفکر ایران هستند بازگشت او غیرممکن شد .

رفیق جمیله صدیقی با تلخ گامی از اینک زنی ایرانی بزرگترین بازنده تسلط ارتجاع قشری بر سرنوشت کشور است ، پیش از اینکه بتواند شمه یک عمر تلاش و مبارزه خود را ببیند چشم از جهان فرو بست . ولی زنان مبارز ایرانی یاد او را گرامی می‌دارند و بیکار او را برای آزادی زن از قید و بند قرون دنبال می‌کنند .

زنان کارگر به دفاع از منافع صنفی، حقوقی و ویژه خود برمی خیزند

هنگامی که در پائیز سال ۱۳۵۷ ارتش مزد ور رژیم آمریکائی "شاه" و سربازان گارد شاهنشاهی، صفوف انبوه تظاهر کنندگان را در خیابانها به گلوله می‌بستند، طبقه کارگر قهرمان ایران برای وارد کردن ضربه نهائی بر رژیم ضد مرد می شاه ملعون، تدارك اعتصاب شکوهمند سراسری خود را به پایان می‌برد.

رهنمود حزب توده ایران به زحمتکشان برای برپائی اعتصاب سراسری و شکستن کمر رژیم به سرعت توسط توده‌های زحمتکش، در رک و بسته مرحله اجرا درآمد. صدها کمیته مخفی انقلابی از کارگران آگاه در واحدها و مراکز بزرگ و کوچک کارگری برای هدایت مبارزات اعتصابی کارگران تشکیل شد. راهبری درست حرکت اعتصابی میلیونها کارگر، توسط کمیته‌های اعتصاب، تیر خلاص را به شقیقه رژیم وابسته و ضد خلقی شاه شلیک کرد. در این زمینه نقش انقلابی زنان کارگر در کارخانه‌ها و مراکز کارگری و وسعت مشارکت آنان در مبارزات عمومی طبقه کارگر جای ویژه‌ای دارد.

زنان کارگر، علی‌رغم تشبثات عوامل رژیم سیر-نگون شده با حفظ وحدت صفوف کارگران و پیکار شعار های عمومی زحمتکشان در مبارزه غیرمکتوب کردند. در دهها واحد بزرگ کارگری نمایندگان زنان کارگر در کمیته‌های انقلابی اعتصاب شرکت مستقیم داشتند. برای نمونه کافی است اشاره کنیم که نخستین حرکت اعتراضی و اعتصابی در کارخانجات بافندگی مقدم، مینو، استار لایت و ... از قسمت‌هایی که زنان کارگر در آنجا متمرکز بودند آغاز شد. در کارخانجات متعددی دیگر، زنان کارگر در مجامع عمومی انقلابی کارگران فریاد رسای زن زحمتکش میهن ما را به گوش هم زنجیران خود رساندند و وحدت نظر و عمل بی‌سابقه همه زحمتکشان در واحدهای کارگری مرزهای مصنوعی تاجیازات جنسی، مذهبی، ملی و ... را در هم نوردید. پس از پیروزی انقلاب، زنان و مردان کارگر، دوشادوش یکدیگر به تصفیه محیط کار از عوامل رژیم منفر گزشته و سرمایه‌داران وابسته پرداختند. بازوان پرتوانشان برای به گردش در آوردن چرخ تولید به کار افتاد. زنان کارگر در کنار کار سازنده، حقوق ویژه زنان و مادران زحمتکش را مطالبه کردند. خواست‌های برحق زنان کارگر، به مثابه جزئی از مطالبات عمومی طبقه کارگر با پشتیبانی همه زحمتکشان ام از زن و مرد مواجه شد. شوهرهای انقلابی کارگران به ابتکار خود دست به ایجاد صدها مهد کودک و شیر خوارگاه در واحدهای تولیدی زدند و امکان آموزشی، برای زنان کارگر و ارتقاء شغلی آنان را فراهم نمودند. ارجاع کارهای زیان آور برای سلامت زنان در بسیاری از واحدها محدود شد. در تعدادی از کنار-

خانه‌ها حق استفاده از مرخصی قبل و بعد از زایمان یا پرداخت دستمزد، با نظارت شوهرها، به مرحله اجرا درآمد. ناگفته نماند که در کنار تحولات مثبتی که به سود زنان زحمتکش در کارخانه‌های بزرگ صورت می‌گرفت و نتیجه مبارزه متحد و متشکل کارگران اینگونه واحد ها بود، زنان کارگر شاغل در واحدهای کوچک و بخش خصوصی گامان از ابتدائی‌ترین حقوق خود محروم ماندند.

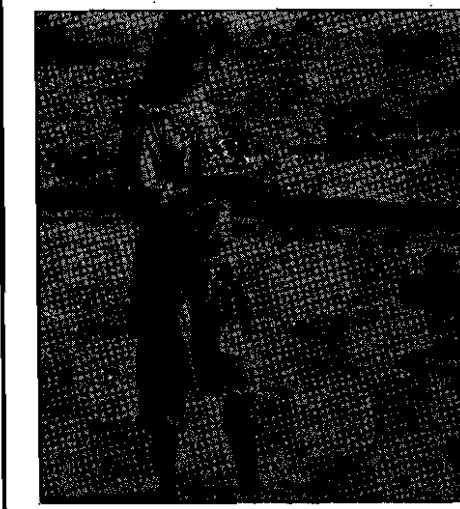
در چنین شرایطی که کارگران به طور متشکل در عرصه مبارزه حضور داشتند، هیچ نیرویی قادر نبود به خواست‌های آنان بی‌توجهی کند. به همین دلیل در قانون اساسی ج ۱۰، به طور



نسبی برخی از حقوق دمکراتیک زحمتکشان و زنان کارگر بازتاب یافت. نبرد طبقاتی عظیمی بر سر اجرا یا عدم اجرا اصول مترقی قانون اساسی بین زحمتکشان از یک سو و نمایندگان کلان-سرمایه داران و زمین داران بزرگ از سوی دیگر در گرفت.

سرانجام امپریالیسم و ارتجاع داخلی، در کنار تعرض به حقوق زحمتکشان سایر اقداسات انقلاب برانداز خود و قلع و قمع تشکل‌های مستقل کارگری را آغاز کردند. مخالفین زحمتکشان، فشار بی‌سابقه‌ای علیه زنان به طور عموم و زنان زحمتکش به طور ویژه سازمان دادند. در پیش نویس قانون کار کذائی توکلی - معتمد رضائی بر همه دستاورد های ۷۰ سال مبارزات طبقه کارگر میهن ما خط بطلان کشیده شد و حقوق زنان زحمتکش به خشن‌ترین صورتی نقض گردید. طبقه کارگر قهرمان میهن ما، در مقابل این اقدام ضد انقلابی، چون کوه استوار ایستاد. محیط کارخانه‌ها بار دیگر، تجلی گاه وحدت بی‌سابقه کارگران شد. زنان و مردان کارگر در مجامع عمومی به افشا، ماهیت ضد کارگری پیش نویس قانون کار پرداختند. میلیونها کارگر با صدها قطعنامه، جمع‌آوری امضا و طوابع‌های

اعتراضی و مراجعه به مقامات مسئول، این سند اسارت‌پار را رد کردند. هنگامی که معتمد رضایی (معاون وزیر کار) در جلسه خانسه کارگر اصفهان، برداشت‌های ضد کارگری خود را در مورد حقوق زنان مطرح کرد. نماینده زنان کارخانه با فغان با شهادتی در خور ستایش، بسا تأکید بر نقش بی‌سابقه زنان در پیروزی انقلاب و رد نظرات ارتجاعی معاون وزیر گفت: این گونه برخورد به حقوق زن، تنها از کسانی برمی‌آید که برای مادر و همسر خود نیز آرزوی قائل نیستند. به موازات تقویت مواضع راستگرایان و نمایندگان کلان سرمایه‌داران در حاکمیت ج ۱۰، دهها اقدام خصمانه علیه حقوق زنان زحمتکش به مرحله



اجرا درآمد. استخدام زنان در مراکز صنعتی و تولیدی به میزان زیادی محدود شد. زنانی که به کمک شوهرهای نارگری متناسب با تخصص و تجربه خود در مشاغل سرپرستی و استاد کاری قرار گرفته بودند به کارهای ساده قبلی گمارده شدند. خانیم "ز" کارگر کارخانه می‌گوید در سال ۱۳۵۰ قریب ۲۵۰ زن و دختر کارگر با مدرک تحصیلی ششم ابتدائی تا دیپلم متوسطه در این کارخانه بیه استفاده شدند. اکنون پس از ۱۲ سال سابقه کار و نشان دادن توانائی در کار با ماشین‌آلات پیچیده، هیچ يك از این ۲۵۰ نفر ارتقاء شغلی نیافته‌اند. تعداد محدودی از زنان که در سال اول انقلاب ارتقاء شغلی گرفتند، اکنون مجدداً به کارهای ساده و غیر تخصصی گمارده شده‌اند. زنان باردار یا بی‌بانه‌های مسخره از محیط کار اخراج می‌شوند. نمونه‌های متعددی وجود داشته است که زنان باردار از بیم از دست دادن شغل بارداری خود را تا ماههای آخر از سفولان و سرپرستان قسمت خود پنهان داشته‌اند. اکنون زنان زحمتکش که با جلب اعتماد و اطمینان کارگران به نمایندگی از سوی آنان در کنگره‌های سراسری کارگری خواست‌های برحق بقیه در صفحه ۱۳

چگونه حقایق را تحریف می کنند

بقیه از صفحه ۱

را به ثبوت می رساند . ما بارها با ارائه دلایل انکار ناپذیر گفته ایم و باز تزار می کنیم ، محاکمه حزب توده ، ایران در بیدادگاه های رژیم هیچ گونه ارتباطی با اتهامات مطرحه در جریان به اصطلاح دادرسی نداشته و ندارد . ما دانسته مسئله محاکمه حزب توده ، ایران را مطرح می سازیم . زیرا سران ج ۱۰ نه اعضای حزب ما ، بلکه خود حزب توده ، ایران ، نظرات عقیدت بی و سیاسی آن را به پشت میز محاکمه کشاند هانسد . آنها با این عمل همان راهی را پیش گرفته اند که فاشیست های هیتلری در سالهای نخست قبضه انحصاری حاکمیت ، پیمودند .

چندی پیش بشریت مترقی پنجاهمین سالگرد محاکمه گورگیدیمیتروف یکی از شخصیت های برجسته جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و میهن دوست بنام بلغارستان را که به اتهام واهی آتش سوزی در رایشستاگ ، در شهر لایپزیک جریان یافت ، برگزار کردند . در آن ایام نیز هدف فاشیست های هیتلری محرم ساختن میلیون ها زحمتکش آلمانی از یگانه حزب مدافع منافع توده های دریند سرمایه بود . آنها هم مانند سران ج ۱۰ می کوشیدند تا " ضربه سختی " به نهضت کمونیستی و کارگری وارد سازند . ولی نتیجه چه شد ؟ این ، در درجه اول کمونیست های جهان بودند که با فداکاری و از خودگذشتگی بی نظیر فاشیسم را به زباله دان تاریخ سپردند . اینکه سران ارتجاعی ج ۱۰ در این مورد مشخصا در جای پای هیتلر و یارانش گذارد هاند ، تردیدی نیست . ولی آنها برای پوشش این همسانی آشکار ، محاکمه انسانها را به اتهام گرانندی پشی با سماجت نفی می کنند . در این مقطع مصاحبه اخیر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با مجله " صوت الخلیج " جلب نظر می کند (اطلاعات ، ۳۰ آذر ماه ۱۳۶۲) .

وی در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله دایر براینکه چرا ج ۱۰ " سعی خود را در سرکشی جریانهای فکری مخالف به کار می گیرد " بدون این که خم بر آبرو آورد گفت :

این نیز یکی از دروغهایی است که دشمنان انقلاب رواج می دهند . نگاهی به تاریخ پنجسال گذشته بیفتید خواهید دید در ابتدا تمام احزاب از راستگرایان تا چپروترین آنها آزادانه به فعالیت مشغول بودند

آقای هاشمی رفسنجانی سفیضه می کند ، برای درک این واقعیت که چرا اکنون این رژیم روبرو افتاده از خلق سرکوب جریانهای فکری واقعا انقلابی و مترقی چپ (نه جریانهای ضد انقلابی راست) را به سیاست عمومی خود تبدیل ساخته است ، باید به ریشه آن در جریانهای فکری و مشکوکی مراجعه کرد ، ه در جریان انقلاب به همین شیوه ها متوسل می شدند .

وظیفه سرکوب نیروهای انقلابی چپ ، که امروز پسه عمل سیا و انتلیجنت سرویس در ارگانهای

اطلاعاتی رژیم محول گردیده ، ادامه سیاستی است که از روزهای نخست اوج جنبش انقلابی به چماقداران به نام حزب اللهی و نفوذی های ساواکی در درونشان واگذار شده پیسود . در اظهاره ۳ بهمن ماه ۵۷ هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ، ایران پیرامون اعمال استبداد رای از جانب بخشی از نیروهای محرکه جنبش که تجلی انحصار طلبی و تحمیل خواست و عقیده خود به دیگران از همان آغاز بود ، چنین گفته می شده :

" متأسفانه کوشش برخی از مبارزان که زیر پرچم جهان بینی اسلامی ، در نبرد ملی و دمکراتیک خلق شرکت می کنند ، در این جهت شدت یافته که از ابراز عقیده و نظر و اقدام نیر و های ملی و دمکراتیک ، جلوگیری کنند . این

باز آن سرود ، آن گردباد

از پهنه های برپیش
بی تاب اما پرکشش
باز آن صدای آشنا
از دور می خواند مرا .

باز آن سرود ، آن گردباد
از خانه می روید مرا
در کوچه می راند مرا
هر گوشه می گوید مرا
این سوی و آن سو می برد
مشتاق عطری آشنا
دنبال آن بو می برد
هر دم که می افتم زیا
باز آن نوای تازنین
مفرور می خواند مرا .

آن کوهه کوهه موج موج
سر در نشیب رو به اوج
با جان می آمیزد مرا
در بحر می ریزد مرا
تا عاقبت در ساحلی
فارغ ز خیز و خوابها
شاداب بنشانند مرا .

تا عاقبت در ساحلی
شاداب بنشانند مرا
آن بحر گویا بی صدا
بر شور می خواند مرا .

سیاوش کسرائی

مبارزان ، این تلاش خود را با شیوه های فیسر دمکراتیک مانند پاره کردن بیانیه ها و شعارهای سازمان های ملی و دمکراتیک دیگر ، ضرب و جرح و تهدید این مبارزان و یا اهانت به زنبسان و دختران مبارزی که مطابق میل آنان لباس نیوشید هاند ، توأم کرده اند . "

آیا آقای هاشمی رفسنجانی می تواند این حقیقت عریان را نفی کند ؟ توسل به شیوه های فاشیستی مقابله با نیروهای انقلابی پسندیده جدیدی نیست ، کما اینکه روشهای ضد توده های و ضد کمونیستی آقایان نیز تازگی ندارد . در مهر ماه سال ۵۷ ، یعنی سه ماه قبل از انتشار اظهاره نامبرده در فوق رهبری حزب طی اطلاعیه های روش های برخی از نیروهای ضد توده های رایج در آن ایام را ندهش کرد و نوشت :

" ما برخی عناصر و نیروها را که تصور می کنند با اتخاذ یک روش ضد توده های و فیسید کمونیستی می توانند به سود خود را هگشایی کنند ، از عواقب مضر چنین پند اراهای بیخبر می داریم . نباید فراموش کرد که ارتجاع و امپریالیسم با همین بهانه های " خطر کمونیم " حکومت ملی دکتر محمد مصدق را سرنگون ساختند و رژیم کثونی از زبان دولت شریف امامی برای توجیه جناحیت ۱۷ شهرویر باز هم پای " خطر کمونیم " را به میان کشید . "

مبارزه با حزب توده ، ایران و سنگ اندازی به جانب نیروهای چپ هم در آن روزهای حماسه آفرین و هم امروز هدف واحد داشت : ارضای امپریالیسم . اگر در آن ایام ضد انقلاب به اهداف خود نائل نیامده ، نه برای این بود که نخواسبت ، بلکه نتواست و قادر نبود . این اصل در مورد ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب مورد استناد آقای هاشمی رفسنجانی نیز صادق است . در ماه های نخست پس از پیروزی انقلاب آزاد بهای نسبی موجود را خائنین امروزی به اهداف انقلاب و مردم و دولت موقت به مردم اعطاء نکردند . در آن روزها توده های میلیونی آفرینندگان انقلاب شکوهمند بودند که اراده خویش را تحمیل می نمودند . خیلی زود نشان داده شده که . . .

چماق حزب اللهی ها ، که دیگر اکنون به و-۳ تبدیل شده بود ، نه متوجه ساواکی ها و دیگر عمل امپریالیسم ، بلکه متوجه نیروهای ضد امپریالیستی شد . حتما آقای هاشمی رفسنجانی تظاهرات آزاد ساواکی ها در مقابل ساختمان نخست وزیری و دلجویی دولت موقت از آنان را فراموش نکرده است . او و یارانش واقفند که بر خلاف ود های که دایر به مجازات ساواکی ها به توده های دهما میلیونی شرکت کننده در انقلاب داده شده بود ، یکی از نخستین اقدامات رژیم احیای ساواک و استخدام ساواکی ها ، این دست پروردگان سیا بود . ارگانهای اطلاعاتی ج ۱۰ که به دست فرد وست (رابط با سیا) در بقیه در صفحه ۹

چگونه حقایق را تحریف می کند

بقیه از صفحه ۸
 دوران شاه (به وجود آمد بلافاصله دست اندرکار کرد یبند و اواسط مرداد ماه ۱۳۵۸ حملات بی دریغ گروههای حزب اللهی مجهز به " ۳-۵ " به دفاتر توده های ها و مجاهدین و فدائیان در سراسر ایران آغاز و بدینسان زمینه نقض یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب، فراهم آمد .
 رئیس مجلس شورای اسلامی در مصاحبه خود بی پروا و با زیر پا گذاردن آنچه در خطبه های نماز جمعه به عنوان " اخلاق اسلامی " تبلیغ می کند، ملت یورش فاشیستی به احزاب و سازمان های ضد امپریالیستی را به اصطلاح نزدیکی یا بیگانگان معرفی می کند . بی گویند آفتاب را نمی توان به گل اندود . حقایق سرسخت تر از آنست که بتوان آنها را با سفسطه و دروغ از افکار عمومی پنهان داشت . زدن برجسب " وابستگی " و " جاسوسی " به نیروهای میهن دوست و مترقی ابتکار سران ج ۱۰ نیست . در شوروه های آمریکای لاتین ، آنجا که رژیم های فاشیستی حکمروائی می کنند و هیئت های حاکمه قادر به حل معضلات اجتماعی نیستند سالهاست از این حربه کثیف بهره می گیرند .

آقای هاشمی رفسنجانی پس از آنکه همسه احزاب و سازمانهای چپ را " در ارتباط با بیگانه " اعلام می کند، به سرقت حزب توده ایران می رود و می گوید، مثلا حزب توده ایران :
 " تا چند وقت پیش آزادانه به فعالیت سیاسی می پرداخت و تا حدی موفق هم بود، زیرا مثل دیگران به خشونت روی نیاورده بود
 گرچه وی تمام حقیقت را بازگو نمی کند، با وجود این آنچه بر زبان جاری ساخته ، اعتراف جالبی است . در این که حزب توده ایران به مثابه یک نیروی سیاسی موثر و مدافع منافع زحمتکشان ، در از خشونت در افشای ماهیت ضد انقلاب و مسخ کنندگان انقلاب موفق بود، تردیدی نیست . ولی ادعای اینکه حزب ما تا چند وقت پیش آزادانه به فعالیت سیاسی می پرداخت با واقعیت در تضاد است . این چگونگی آزادی است که دفاتر حزب در سراسر کشور تاراج می شد ، ارگان مرکزیش توقیف بود ، اعضایش روانه سیاه چالها می گردیدند و در مواردی حتی به جوشه های اعدام سپرده می شدند ؟ حتی اگر فرض شود که رئیس مجلس شورای اسلامی دروغ نمی گوید و حقایق را تحریف نمی کند، باید پرسید : ملت یورش فاشیستی به حزبی که فعالیت سیاسی در از خشونت داشت چه بود ؟ وی دو علت ارائه می دارد - تشویق کارگران به اعتصاب و به اصطلاح جاسوسی .

علل یورش وحشیانه به حزب توده ایران

در قطعنامه پلنم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران گفته می شود :
 " یورش سبانه رژیم به حزب توده ایران ، زندانی کردن هزاران نفر از اعضا آن و غیره

قانونی اعلام نمودن فعالیت حزب ما کوچکترین ارتباطی با اتهامات سخیف ساخته و پدید اختیه ارگان های اطلاعاتی رژیم نداشته و ندارد . بیگانه علت را باید در حقانیت و اصالت جهان بینی ما ، در جذابیت آن ، در باور روز افزون زحمتکشان و روشنفکران میهن دوست به نظرات ، پیشنهادات و برنامه های علمی و علمی ارائه شده از جانب حزب توده ایران پیدا کرد .
 اینست آن حقیقت انکار ناپذیر که حتی دشمنان ما ناگاه بدان صحنه می گذارند . وقتی آقای رفسنجانی می گوید حزب توده ایران در فعالیت سیاسی خود موفق بود ، منظورش جز تصدیق گفته های ما نمی تواند باشد . بیگانه علت یورش وحشیانه به حزب توده ایران را باید در نقش روشنگری آن ، در دفاع حزب از منافذ کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا ، در افشاء ماهیت واقعی جناحهای ارتجاعی و اعمال امپریالیسم در حاکمیت ، در مبارزه بی گیر و بی امان علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا جستجو کرد ، که رئیس مجلس آن را در قالب " تشویق کارگران به اعتصاب " خلاصه می کند .

روزنامه " اطلاعات " در سرمقاله ۳ دیماه ۶۲ ضمن تشریح رسالت مجلس جوانب دیگر فعالیت حزب را مطرح می سازد . سرمقاله نویسنده " اطلاعات " با اشاره به اعضا در بند حزب توده ایران که از آنان به نام " منادیان مکتب های الحادی " یاد می کند ، گناهان آنها - بخشودنی " آنان را به ترتیب زیرین برمی شمرد :
 اولاً ، آنها " بزرگان وارسته بسیاری را امواج حملات خود می ساختند ؛ ثانیاً " چه بسا یاران امام را زیر سوال برده و منزوی می کردند ؛ ثالثاً ، " آتش اختلافها و درگیریها و دسته بندیها را دامن می زدند ."

نویسنده سرمقاله " اطلاعات " که سعی کرده از تکرار اتهام سخیف " جاسوسی " پرهیز کند ، پس از شمارش این موارد نتیجه می گیرد :
 " اما در آن میدان نیز حقیقت هیچگاه در زیر میخ باطل پنهان " نماند " و درست در لحظاتی که " بازیگر " نقش افروزی می کرد ، امت مسلمان و بیدارگران مؤمن " به اصطلاح شعبده آسرا افشاء نمودند .
 سرمقاله نویسنده " اطلاعات " صریحاً می نویسد که علت یورش فاشیستی به حزب توده ایران زایید در فعالیت سیاسی حزب در زمینه زدن نقاب از چهره ارتجاع و اعمال امپریالیسم ، در هرکسوتی وزیر هر نامی و شناساندن آنان به توده های زحمتکش دانست .

چنین است " گناهان " عده حزب توده ایران . و اما آنجا که نویسنده ، حزب ما را بسف دامن زدن آتش اختلافها و درگیریها و دسته بندی ها متهم می سازد و این را شعبده سازی حزب قلمداد می کند ، دروغ می گوید . اختلاف و

درگیری و دسته بندی بین جناح های گوناگون روحانیت که تظاهر اختلافات طبقاتی در جامعه است ، دارای سابقه چندین صد ساله است که پس از دست یابی روحانیون به حاکمیت سیاسی تشدید یافت .

آیا پس از یورش به حزب توده ایران اختلاف درون حاکمیت پایان یافت ؟ اگر چنین می بود چه لزومی به صدور " فرمان " نوتی دایر به منسوخ انتقاد از دولت و فراخواندن جناح های درگیر به وحدت داشت ؟

آقای مجید انصاری در سخنرانی پیش از دستور جلسه ۲۹ آذرماه مجلس ضمن توضیح پیرامون " فرمان " جدید اظهار داشت :
 " آیا طبیعی است . . . در شرایطی که پیش از هر زمان دیگر ، نیاز به ثبات اقتصادی داریم ناگهان از بیسوت علما و یا قلم فضلاء مسئله مشرویت و عدم مشرویت مالیات مطرح می گردد ؟ و هم زمان در طریق دسیسه بازی های مرمریز ، هر روز مسئله ای جدید " به وجود آید ؟ و دولت سرگرم حل این مشکل است که مشکلی دیگری را پتراشند ؟ "

وی سپس می پرسد ، آیا همه اینها حلقه های به هم پیوسته یک توطئه حساب شده از سوی استکبار جهانی نیست ؟

آری ، آنچه وی برشمرد توطئه امپریالیسم و اعمال آن در حاکمیت ج ۱۰ است . " گناه " ما آن است که کوشید مایم " علما و قضایا " عمال امپریالیسم و مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان را با اسم و رسم به مردم معرفی کنیم تا دست را از دشمن تمیز دهند . ولی آقای انصاری نه تنها از بردن نام میهن فروشان هراس دارد ، بلکه برای تیره دلت از مقابله آن با حزب توده ایران از " نظر فکری و سیاسی " و روانه کردن اعضا آن به " زندانهای ج ۱۰ " سخن به میان می آورد و حتی به خود اجازه می دهد بگوید که با این اقدام ضد انسانی گویا بیشترین ضربه " در سطح جهانی (۱) بسر حیثیت و اعتبار مکتب های کمونیستی " وارد شده است . به دیگر سخن حزب توده ایران بی بایست غیر قانونی اعلام گردد تا خاطر " شیطان بزرگ " و مزدوران محلی آن از " خطر کمونیسم " آسوده باشد .

چنین برخورد هائی تعادلی نیست . و در راستای همان توده های ستیزی و کمونیسم ستیزی است که برای سرکوب هرگونه نهضت ضد امپریالیستی در کشور ما بارها روشده است . آنچه در مرحله کنونی جلب نظر می کند ، همسانی نظرات برخی از مسئولین ج ۱۰ و رؤسای ارگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا است . ۸ ژوئن سال ۱۹۸۲ ریگان طی سخنرانی در پارلمان انگلستان به هنگام اعلان " جنگ صلیبی " علیه سوسیالیسم و کمونیسم از جمله گفت :

" بیایید تردید به خود راه ندهیم . بیایید از قدرت خود برای تبدیل مارکسیسم - لنینیسم به خاکستر باقیمانده از حریق تاریخ استفاده کنیم . " بلافاصله پس از این سخنرانی ریگان عمال امپریالیسم در سراسر جهان با الهام از استاد

مردم مرفی جهان: احكام صادره علیه.

بقیه از صفحه ۳

فرانسه

هیأتی مرکب از شارل لبرون، سناتور کمونیست، دانیل وگه، رژی کاستیو و کلود پرود. حقوقدان روز سه شنبه، ۷ فوریه (۱۸ بهمن نامه‌های تسلیم سفارت ایران در پاریس کردند. این نامه، که به امضای " کمیته " فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران " سازمان " سیماد " و " کلوب سوسیالیستی حقوق بشر " رسیده، صدر احکام جابرانه علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مرفی خواسته شده است.



ت. ژ. ت. (کفدراسیون عمومی کار فرانسه) نیز نجات جان محکومین به اعدام و پایان دادن به محاکمه مبارزین به جرم دگراندیشی را طلب کرده است.

اخبار فوق در روزنامه " اومانیته " ارگان حزب کمونیست فرانسه درج گردید.

● " انجمن فرانسوی حقوقدانان دیکرات " در تاریخ ۹ فوریه (۲۰ بهمن) بیانیه‌ای منتشر نمود که طی آن به محکومیت‌های سنگین علیه متهمان دادگاه نظامی ارتش ج ۱۰ اشاره شده و این احکام به شدت مردود و مغایر با مواد ۶۵، ۸۴، ۸۵، ۹۰، ۹۱ و ۱۱ (بند اول)، اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز جزو امضا کنندگان آن است، شناخته شده است.

در این بیانیه همچنین آمده است: " ما در برابر این بی‌عدالتی‌ها، کلیه اعضای انجمن و نیز همه آزادی خواهان و کسانی را که به موازین حقوق بشر پایبندند، فرا می‌خوانیم تا بر اعتراضات خویش نسبت به این اعمال افزوده و با مراجعه به مقامات مسئول ج ۱۰، نجات جان محکومین به مرگ و رعایت حقوق قانونی و انسانی را در این کشور، خواستار شوند.

● ت. ژ. ت. (کفدراسیون عمومی کار فرانسه) در تاریخ ۲۳ ژانویه (۳ بهمن)، بیانیه‌ای مطبوعاتی، به امضای بی‌پروانسوس، دبیرسندیکا منتشر ساخته و طی آن به احکام صادره دادگاه‌های نظامی علیه افسران میهن دوست، شدیداً اعتراض نموده است.

سندیکا ضمن جلب توجه سازمان‌های کفدراسیون و افکار عمومی نسبت به محافاتی که درآینده علیه اعضای حزب توده ایران بزرگوار خواهد شد، لغو محکومیت‌های سنگین و آزادی کلیه زندانیان توده‌ای را خواستار شده است.

صدر احکام جابرانه علیه افسران میهن - بهمه در صفحه ۱۱

با آنان و بررسی وضع ایشان از نزدیک، پافشاری نمود هاند.

● سازمان حزب کمونیست آلمان در بوخوم نیز، اعمال رفتار وحشیانه در مورد اعضای حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده، از کلیه احزاب و سازمانهای مرفی شهر خواسته است با تشدید اعتراضات خود، جان مبارزین دریند را از خطر برهانند. سازمان همچنین، ضمن مراجعه به دولت آلمان، خواسته است که در امر اعزام هیأت ناطری به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان اقدام نماید و در پایان آزادی اعضای حزب توده ایران و پایان دادن به پیگرد و تضییقات علیه نیروهای دمکرات را در ایران خواستار شده است.

● هیأت رئیس " اتحادیه ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگردنازی‌ها قرار داشتند "، ضمن انتشار بیانیه‌ای مطبوعاتی به تاریخ ۲۳ ژانویه (سوم بهمن)، تحت عنوان " خطر جان میهن و دستان ایران را تهدید می‌کند "، نسبت به احکام صادره از طرف بیدادگاه‌های نظامی علیه افسران و برخی از اعضای حزب توده ایران شدیداً اعتراض کرده است. این اتحادیه، ضمن مقایسه مجدد اعمال رژیم ایران با پیگسرد کمونیست‌ها از طرف نازیها، باردیگر کلیه دمکرات‌ها را به اقدامات سریع، جهت محکوم کردن احکام جابرانه بیدادگاه‌ها و نجات جان زندانیان فراخواننده است.

● مسئولین حزب سبزها در دارلسروه، در تاریخ ۲۳ ژانویه (۳ بهمن)، نامه‌ای به سفارت ج ۱۰ در بن ارسال داشته و ضمن آن نسبت به تضییقات وارده علیه نیروهای دگراندیشی و اختناق حاکم بر ایران، شدیداً اعتراض کرده‌اند. آنان از مقامات مسئول ج ۱۰ خواسته‌اند موازین حقوق بشر را در ایران رعایت نمایند؛ ترتیبی دهند که محاکمات علیه اعضای حزب توده ایران به صورت علنی و با شرکت ناظران بین‌المللی انجام پذیرد و کلیه زندانیانی که به جرم دگراندیشی بازداشت شده‌اند، آزاد گردند.

سازمان‌های دیگری که در آلمان فسد رال نسبت به اعمال تضییقات علیه اعضای حزب توده ایران و سایر دگراندیشان اعتراض نموده، از خواستهای نظیر خواستهای بالا پشتیبانی کرده‌اند، به ترتیب زیرند:

● انجمن ترکها در فرانکفورت ● جمعیت صلح کاسل ● اتحادیه صلح آلمان در شهرهای هایدلبرگ و دارلسروه ● کمیته ضد امپریالیستی هایدلبرگ ● کمیته‌های همبستگی با ایران در رگنالدنبورگ، هامبورگ و برمن ● حزب سوسیال دمکرات آلمان، تشبه گوتینگن ● نمایندگان دانشجویان دانشگاه اولدنبورگ ● اتحادیه ضد فاشیست‌ها در شهرهای دارلسروه، برمن و گوتینگن ● سازمانهای حزب کمونیست آلمان فدرال در شهرهای کاسل و مانهایم.

ضمن بازدید از غرفه مشترک هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حمایتست خود را از زندانیان توده‌ای اعلام داشتند.

در پایان این مراسم، قطعنامه‌ای صادر شد که در آن محاکمات فرمایشی و احکام جابرانه دادگاه‌های نظامی علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران، محکوم و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مرفی خواسته شده بود.

● طی تظاهراتی که در همین روز، علیه استقرار موشک‌های میان برد در اروپا به ابتکار فعالین جنبش صلح آلمان فدرال در برمن برپا شد، تعدادی از تظاهرکنندگان با حمل پلاکارتهای اعتراضی نسبت به بازداشت، شکنجه و قتل اعضای حزب توده ایران و مردود شمردن احکام غیرقانونی دادگاه‌های نظامی علیه آنان و افسران میهن دوست، توجه شرکت کنندگان در این گرد هم آیی بزرگ را به خود جلب کردند. هواداران حزب توده ایران نیز در برمن، با پخش اعلامیه، به افشای جنایات رژیم دست زدند.



● " حزب سوسیال دمکرات آلمان " و " اتحادیه ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازیها قرار داشتند " در گوتینگن، طی امضای نامه‌ای به تشدید جو اختناق و فشار در ایران، علیه نیروهای مرفی، تحت نام " اسلام " و به ویژه نسبت به بازداشت، شکنجه، محاکمات فرمایشی و اعدام اعضای حزب توده ایران، تحت پوشش خود کشی، شدیداً اعتراض کرده‌اند. آن‌ها این اعمال را با متدهائی که در دوران سیاه فاشیسم، به دست گشتاپو علیه نیروهای مرفی انجام می‌گرفت، مقایسه کرده و ضمن مطرح کردن خواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی مرفی در ایران، بر امر اعزام هیأتی به ایران جهت ملاقات

در تظاهرات اعتراضی نیروهای مترقی اعلام شد:

«به شکنجه کودکان، زنان و مردان خاتمه دهید!»

روز چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۶۲ (اول فروردین ۱۹۸۴) به دعوت تشکیلات دمکراتیک زنان ایران (بخش برلن غربی) و زنان عضو «کفرانس مسیحی صلح» تظاهراتی اعتراضی علیه پیگرد و سرکوب زنان دمکرات و سایر میهن دوستان ایرانی در برلن غربی برپا شد.

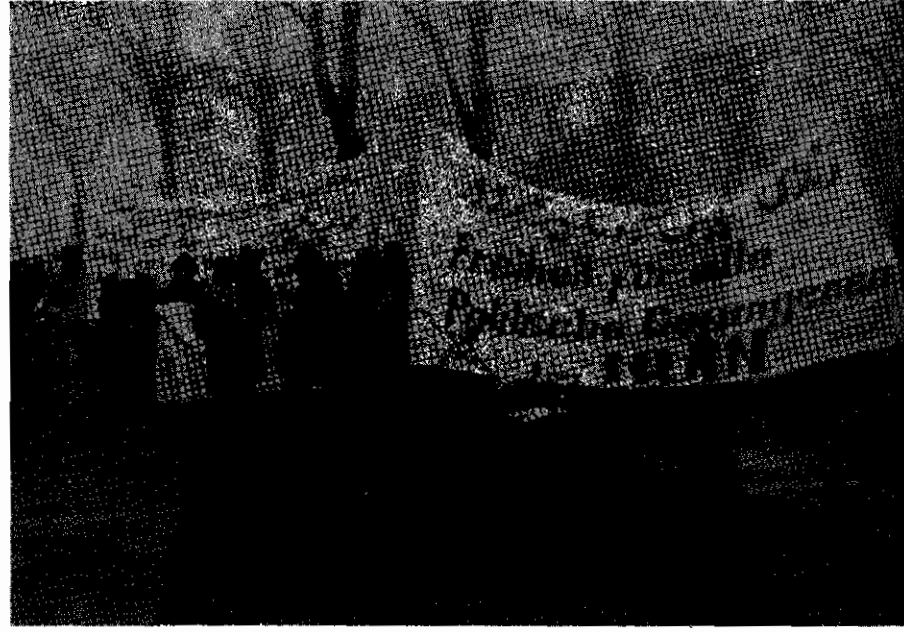
تظاهر کنندگان با حمل شعارهایی چون «به سرکوب زنان دمکرات و سایر میهن دوستان ایرانی خاتمه دهید» و «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» به طرف محل سرکسولگری ج ۱۰۱۰ در این شهر حرکت کردند. در طول مسیر تظاهرات اعلامیای بین عابریین توزیع شد که در آن تظییقات بی شمار رژیم ج ۱۰ نسبت به زنان میهن ما و پیگرد، سرکوب و شکنجه میهن دوستان ایرانی افشا و محکوم شده بود.

تظاهر کنندگان پس از رسیدن به محفل کنسولگری با تجمع و دادن شعارهایی چون «به شکنجه کودکان، زنان و مردان خاتمه دهید»، «زندانیان سیاسی را آزاد کنید» و «نابیند باد ارتجاع حاکم برج ۱۰» انزجار خود را نسبت به آنچه که در میهن ما میگذرد، نشان دادند. سپس خانم «کریستین رول» نماینده «کفرانس مسیحی صلح» به سخنرانی پرداخت و ضمن محکوم نمودن اعمال وحشیانه حکام ج ۱۰ نسبت به میهن دوستان ایران اعم از زن و مرد، همبستگی سازمان خود و سایر نیروهای مترقی را با مبارزات به حق مردم ایران در راه استقلال و دمکراسی مورد تأکید قرار داد. پس از آن نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در برلن غربی قطعنامه میتینگ را که در آن به وضوح

دشوار زندگی زنان زحمتکش ایران و رفتار وحشیانه دمکسیان ج ۱۰ نسبت به زنان زندانی و سایر میهن دوستان در بند اشاره شد. میبود، قرائت کرد. در خاتمه میتینگ این قطعنامه از طرف دو تن از زنان مترقی برلن غربی تسلیم مقامات سرکسولگری ج ۱۰۱۰ شد. سازمانهای زیر حمایت خود را از این تظاهرات اعلام داشته بودند:

- لیگای بین المللی زنان برای صلح و آزادی
- اتحاد دمکراتیک زنان برلن غربی انجمن زنان ترکیه در برلن غربی
- کمیسیون زنان عضو حزب متحده سوسیالیستی برلن غربی
- جامعه دانشجویان پروتستان دانشگاه آزاد برلن غربی
- کمیته دفاع از حقوق زن در برلن غربی
- هواداران سازمان آزادی بخش فلسطین در برلن غربی
- اتحادیه دانشجویان عراق در آلمان
- فدرال و برلن غربی
- جنبش ضد آپارتاید (بخش برلن غربی)
- لیست آلترناتیو (سبزها)
- شعبه مربوط به خارجیان
- گروه زنان عضو انجمن دمکراتیک بینانیان مقیم برلن غربی

● شعبه زنان اتحادیه سند پناهای نارگری سراسر آلمان فدرال در گوتینگن و مسئول دیوایر مذهبی منطقه جنوب گوتینگن، طی امضای بیانیه ها و ارسال کارتهای اعتراضی به مقامات مسئول ج ۱۰، رفتار وحشیانه زندانیان ایران را بیایان زنان مبارز در ایران، شدیداً محکوم کردند و پایان دادن به پیگرد ها، بازداشت و شکنجه اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان و سایر دمکرات ها و آزادی فوری آنان را خواستار شدند!



مردم مترقی جهان: احکام صادره علیه

بقیه از صفحه ۱۰

دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران در مطبوعات فرانسه، انعکاس گسترده ای داشته است و نشریات مترقی زیر، ضمن درج این خبر و تفسیرهای مفصل در این زمینه، پیروان این احکام نا عادلانه اعتراض کرده اند. این نشریات طی فراخوانی از نیروهای مترقی خواسته اند، به منظور لغو احکام صادره، اقدامات لازم را به عمل آورند:

- اومانیت، اومانیت، دیمانش، مارسی
- لیبراسیون
- «انجمن کلیسای تعاون»، «جمعیت مسیحیان برای الغای شکنجه»، «سازمان سوسیالیستی حقوق بشر»، «جمعیت فرانسه حقوقدانان دمکرات» و «کمیته فرانسه همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران» طی صدور بیانیه مشترکی به تاریخ ۳۰ دسامبر (۹ دی ماه)، ضمن افشای جریان محاکمات افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران در دادگاه های در بسته نظامی در مورد نتایج محاکمات ابراز نگرانی کرده اند.

- ۱- آنان ضمن بر شمرن دلایل زیر، دادگاهها را غیرقانونی دانسته اند:
 - ۱- شرایط حبس و بازجویی زندانیان، کاملاً مغایر با موازین حقوق بشر بوده است.
 - اخبار واصله حاکی از آن است که شکنجه گران از همه گونه وسائل، برای وادار کردن قربانیان خود به «اعتراف»، استفاده کرده اند.
 - ۲- متهمان از حق داشتن وکیل محروم بوده اند.
 - ۳- حضور ناظران و خبرنگاران مطبوعات خارجی در جلسات دادگاه ممنوع بوده است.
- امضاء کنندگان بیانیه به محاکمات غیر طنی و هر آنچه که باعث نقض آزادی عقیده در ایران می شود، شدیداً اعتراض کرده و کلیه سازمانها و نهاد های مترقی مدافع حقوق بشر را نرا خواند هاند تا تمام تلاش خود را جهت نجات جان زندانیان، به کار برند و دولت ایران را به برپائی دادگاه های واقعا علنی، وادار سازند.

● ● ●
در شماره ۳۱ مجله «رساله العراق» که توسط شعبه خارج از کشور حزب کمونیست عراق منتشر می گردد، نیز مقاله ای تفصیلی در مورد رویداد های اخیر ایران و کارزار توده های ستیزی به چاپ رسیده است که طی آن به ویژه وضعیت اسفناک اعضای حزب در زندانها و شکنجه ها و قتل آنان بررسی شده و از جمله به سرنویشت نامعلوم رفیق احسان طبری که در اثر شکنجه های وحشیانه و زخم های حاصل از آن به بیمارستان منتقل گردیده بود، اشاره شده است.

روزنامه در پایان تصریح می کند که حزب توده ایران، علی رغم ضربه وحشتناکی که متحمل شده، خواهد توانست، همراه با سایر نیروهای مترقی، به توطئه های امپریالیسم و ارتجاع علیه انقلاب چیره شود.

بقیه در صفحه ۱۵

در هفته ای که گذشت:

امپریالیسم آمریکا قصد دارد، تنگه هرمز را تحت کنترل نظامی خود در آورد!

در روزهای اخیر با تشدید جنگ ایران و عراق، امپریالیسم آمریکا به بهانه جلوگیری از بسته شدن تنگه هرمز، تعداد دیگری از رزمناوهای خود را وارد خلیج فارس کرد. رزمناوهایی که در این رابطه می نویسد: هم اکنون ۹ رزمناو آمریکایی در اطراف تنگه هرمز در حرکت اند.

افزایش حضور نظامی امپریالیسم در خلیج فارس هم زمان با اجلاس وزیران دفاع ۶ کشور عربی حوزه خلیج فارس در قطر باردیگر پرده از همکاری ها و تشریک مساعی امپریالیسم آمریکا و کشورهای مرتجع برداشت. وزیر دفاع کویت در بیان موضعگیری این کشورها اعلام کرد که بستن تنگه هرمز یک عمل خصمانه تلقی خواهد شد و باید با زور آن را خنثی کرد.

از سوی دیگر یکی از شخصیت های بلند پایه واشنگتن علنا اعلام کرد که از سر گرفته شدن زد رگیی مسلحانه بین ایران و عراق به ایالات متحد آمریکا امکان می دهد، تا تنگه هرمز را تحت کنترل نظامی خود در آورد.

در چنین شرایطی است که سردمداران دو کشور ایران و عراق به "تور" این جنگ پی سرانجام می دهند ویر دامنه تشنج در منطقه می افزایند.

امپریالیسم آمریکا هم چنان سیاست تحمیل و تحکم و دخالت در امور داخلی کشورها در منطقه خاور میانه و نزدیک و خلیج فارس را دنبال می کند. کنترل نظامی کامل خلیج فارس از جمله به بهانه جنگ ایران و عراق نیز همین هدف را دنبال می کنند.

پر کردن صندلی وزارت، مشکلات بنیادی جامعه را از بین نمی برد!

در جلسه علنی اول اسفند مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر، وزیر جهاد سازندگی، اطلاعات و مسکن راه مجلس معرفی کرد. پس از سخنان موافق و مخالف نتایج آرا به ترتیب زیر: بیژن نامدار زنگنه با ۱۱۰ رأی موافق و ۱۹ رأی موافق و ۳۴ رأی مستنحب عنوان وزیر جهاد سازندگی رأی اعتماد گرفت. آراء اسماعیل فردوسی پور و محمد حسن تهرانی نژاد که به عنوان وزیر اطلاعات و وزیر مسکن معرفی شده بودند به حد تصاب لازم نرسید. آرای داده شده به ترتیب عبارت بودند از ۷۴ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۴۰ رأی مستنحب برای اسماعیل فردوسی پور و ۷۸ رأی موافق و ۳۶ رأی مخالف و ۵۴ رأی مستنحب برای محمد حسن تهرانی نژاد.

این دو مین بار است که رئیس دولت ج ۱۰

می کوشد با معرفی وزرای جدید، جای خالی آنان را در کابینه پر کند.

بار اول آقای رئیس جمهور "اشکال کار" را در عدم مشورت با مجلس دانست و این بار نیز قطعاً توجیهی برای سرپوش گذاشتن بر زد و بند ها و بازی های پشت پرده سران ج ۱۰ وجود خواهد داشت.

اما آنچه مسلم است آنست که نه ترمیم کابینه، نه معرفی وزرای جدید و نه پذیرش یا عدم قبول آنان از طرف مجلس، بنیستی را که سران ج ۱۰ با پیش گرفتن سیاست های انقلاب برانداز در برابر خود بنا کرده اند نخواهد شکست. حل معضلات و دشواری های هر شمارو بنیادی نیست. تنها و تنها از عهده یک دولت انقلابی، برنامه های مشخص سود منافع مردم و به کمک آنان و نیروهای مترقی و طرفدار آرمانهای مردم می برمی آید، با پرکردن صندلی این و آن وزارتخانه ممکن نیست!

قدرشناسی از ساواک!

در هفته گذشته، بررسی جزئیات لایحه نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مجلس شورای ادامه یافت. ما پس از تصویب تمامی مواد این لایحه، آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. آنچه در حال حاضر قابل تأمل است، می کند ماده ۵ و بند ۱ این لایحه است که بر چگونگی رسیدگی به اموال و دارایی دارمندان و منابع خبری ساواک نظارت دارد:

"ماده ۵: دادگاه موظف است رأساً نسبت به مشروحات اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی در موارد زیر رسیدگی نموده و حکم مقتضی را صادر نماید. ۱- اموال دارمندان و منابع خبری ساواک منحله."

آقای رفسنجانی رئیس مجلس، به عنوان کسی که قدرشناس فعالیت های شبانته ریزی و "سیستما تیک" ساواکی های به خدمت ج ۱۰ در آمده است، بلافاصله پیشنهاد حذف عبارت "منابع خبری" از بند یک این ماده را ارائه داد و در توضیح پیشنهاد خود گفت:

"... نوا افراد فقیر و کم بضاعت این کار را می کردند و حالا اگر ما برای آنها پرورده تشکیل بدیم، مخارج و وقت زیادی را خواهد گرفت و کار های اساسی (!) را فلج می کند. ... کشاندن یک بخشی از مردم فقیر به دادگاه کار چندان خوبی نیست. ... (اطلاعات - ۲۰ بهمن):

برخلاف ادعای آقای رفسنجانی، مطلبی به هیچ روی بر سر فقر و بدبختی ساوانی ها نیست. رئیس مجلس به خوبی می داند به واسطه "حضور همین "خبر چین" ها در جامعه، چگونه جیب سو ظن و وحشت و عدم اعتماد در میان مسووم حاکم شده بود و ساواک چگونه با استناد از همین "خبر" ها به شکار مبارزین می پرداخت، آنها را به بندی می کشید و تا زمانی که "اعترافات" شان

با "خبر" های رسیده از جانب این "مرد فقیر" مطابقت نمی کرد، زیر انواع واقعه شکنجه های حیوانی تا سر حد مرگ، تحسنت فست قرار می داد. چه بسا افراد مغرضی که با بهره گیری از قدرت ساواکی بودن خود، "خرده حسه های" شخصی شان را تصفیه می کردند. گزارشات خلاف آنان، خانواده های بسیاری به خاک سیاه می نشاند.

در واقع دفاع از ساوانیها، زیر پوشش دفاع از "مردم فقیر" و "قلج" شدن "کارها" اساسی، برای مردمی که خود داغ دید فعالیت های آنان هستند و عمری با این واقعه گزرنده و تلخ دست به گریبان بودند، به هی روی قانع کننده نیست.

پس مطلب چیز دیگری است. آقای رفسنجا، با ارائه این پیشنهاد و تصویب آن از طرف مجلس، نه تنها یک بار دیگر به شیوه دولت وقت بر سر ساوانی ها آب تطهیر می ریزد، بلکه ساواجان های فعال در ارگان های سرکوب ج ۱۰ قوت قلب می بخشد که با اطمینان بیشتر و اعتماد به پشتیبانی همه جانبه دولت سردار صاحب مقام و صاحب نفوذ رژیم به کار تلخ و قم مبارزین، اعمال شکنجه و سرکوب و برقرار کردن چه عصب و وحشت در میان مردم بپردازند. توده ها و فدائی ها و مجاهدین را در سنگه شکنجه خرد کنند و هر ندای حق طلبانه ای را با "پنجا آهنین" پاسخ گویند.

تجدید قرارداد های شاهانه!

رادیو ایران، روز اول اسفند اعلام کرد: "قرارداد ساخت کوره های احیا" مستقیم مجتمع فولاد مبارکه که بزرگترین قرارداد تکنولوژی بعد از پیروزی انقلاب است بین ایران و ژاپن به امضا رسید."

سردمداران ج ۱۰، به پیروی از تز لیبرالی "چون وابسته بودیم، باید وابسته بمانیم" و پی گیری سیاست های انقلاب برانداز خود که به پیشه آنان بدل شده، یکی دیگر از قرارداد های اسارت بار زمان شاه را تجدید می دهند و به برای پوشاندن ابعاد فاجعه آمیز آن به لفاظی های عوام فریبانه متوسل می شوند و این خیانت مسلم و آشکار را "بزرگترین قرارداد تکنولوژی بعد از پیروزی انقلاب" می نامند!

واقعیت آنست که گفتگو در باره انعقاد قرارداد مجتمع فولاد مبارکه هنگامی که شاه ملعون در استراحتگاه خود - سن موریتس سوئیس - به سر می برد، صورت گرفت شرکت های چند ملیتی آمریکائی، آلمانی، ژاپنی و ایتالیائی به منظور وابسته تر کردن صنعت در کشور ما و غارت ثروت مردم پا پیش گذاشتند و با دلالتی دکتر امینی ها و مهدوی ها (وزیر بازرگانی وقت)، این قرارداد خیانت بار را - در ۱۷ خرداد ۵۳ در شهر رم - به امضا رساندند. اجرای این طرح اسارت بار پس از انقلاب متوقف شد.

یکی از اشکالات اساسی این طرح علاوه بر تشدید وابستگی، شیوه "احیا" مستقیم کوره های این مجتمع است. به موجب اظهار نظر کلیه بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
خبرگان ، روشهای جدید احیای مستقیم ایمن تکنولوژی ، مشکلات فنی و تکنیک های متعددی به بار می آید که بهره برداری از آن با زیان همراه خواهد بود . امروزه در قطب های غیر وابسته و صنعتی جهان ، معمولا از سیستم کوره بلند و فولاد سازی با اکسیژن استفاده می شود . تجدید قرارداد های شاهانه ای از ایمن دست ، يك بار دیگر ثابت می کند که سردمداران ج ۱۰ ، در جهت احیای وابستگی به امپریالیسم به هر قیمت و به هر طریق ، از هیچ کوششی کوتاهی نمی کنند!

مالکین در صحنه!

به رغم عوام فریبی ها و تزییقاتی که سردمداران ج ۱۰ ، با کمک پاسداران مسلح و " مسئولین نظامی " در حق روستائیان زحمتکش میهن ما اعمال می کنند ، دامنه اعتراضات و دادخواهی های آنان گسترده تر می شود . در هفته گذشته ، روستائیان قریه درب گنبد کوهدشت لرستان که از مناطق حاصلخیز کشور ماست و ساکنین آن ، حتی در زمان رژیم شاه ملعون نیز مسلح بودند ، در برابر " زورگوشی ها " و حق کشی های مالکین بزرگ آن منطقه ، مسلحانه به مقاومت برخاستند ، و از باز پس دادن " زمین های بایر "ی که به همت خود روستائیان ، به اراضی دایر تبدیل شده خود داری کردند . مقاومت مسلحانه روستائیان در برابر این تزییقات آن چنان بالا گرفته که مقامات مسئول طبق معمول به تنها راه چاره یعنی کمک خواستن از " مسئولین نظامی و انتظامی " کیهدشت توسل جستند و روستائیان رنج دیده و حسیق خواه این قریه را با زور سرنیزه و ارعاب و تهدید " ساکت کردند ."

نماینده کوه دشت در مجلس ، از ایمن مسئولین نظامی و انتظامی ، " به خاطر بی نهایت گذاشتن قدرت خود " تشکر می کند " و از روستائیان " تقاضا می کند به قوه قضائی اجازه رسیدگی " بدهند!
" . . . از مسئولین نظامی و انتظامی کوه دشت به خاطر جلوگیری از بروز يك حادثه تلخ تشکر می کنم و از کشاورزان درب گنبد تقاضا می کنم ، شخصا اقدام و برخوردی نکنند و منتظر رسیدگی و رأی محاکم قضائی باشند . . ."
ظاهرا آقای عباسی فرد فراموش کرده اند چندین پیش آقای موسوی اردبیلی ، بالاترین مرجع قضائی کشور ، از جانب شورای عالی قضائی نامه ای خطاب به رئیس مجلس نوشت و در آن از " مزاحمت " روستائیان سخن گفت و صریحا اعلام کرد:
" برخورد با این مسائل و حل مشکل زمین و تعیین سیاست زمین داری و وزارت جزو وظایف

قوه قضائی نبوده است ."

و :
" به دبیر خانه دستور داده شد ، منعقد کلیه مکاتبات در این زمینه را به نخست وزیر ارسال کنند تا به وسیله مرجعی که صالح می دانند مورد اقدام قرار گیرد (اطلاعات - ۳ بهمن) ."

اکنون که يك ماه از اعلام این " سلب مسئولیت " می گذرد ، هنوز ترکیب این " مرجع صالح " مشخص نشده است . ولی آقای دکتر زالی ، وزیر کشاورزی ، به نوبه خود راه جل رفیع این " بسلا - تکلیفی " را اینگونه ارئه می دهد:

" مسئله زمین ابعادی دارد . یکی از آنها پلا تکلیفی اراضی است . در این زمین ها اختلافی بین مالک و زارع وجود دارد و یا مالک اصلا در صحنه نیست . . . انشاء الله تکلیف مالکیت معلوم می شود تا مردم بتوانند در قسمت کشاورزی ، با خیال راحت سرمایه گذاری کنند . البته این موضوع با برادر موسوی اردبیلی و برادران نمایند مجلس در میان گذاشته شده است ."

در واقع آقای وزیر کشاورزی که راه حل مسئله مالکیت زمین را حضور هر چه بیشتر " مالک در صحنه " می داند ، با اعلام جلب نظر مجلس و رئیس دیوان عالی کشور ، روستائیان را به مبارزه می طلبد . پاسخ آنان روشن است!

سلیمان فلاح یکی از اهالی روستای زکی آباد می گوید:
" در این روستا ، زمین های بایر زیادی وجود داشت که مالک آنها را رها کرده و همین طور بلا استفاده مانده بود . خوش نشینان روستا ، با کمک هیئت هفت نفره واگذاری زمین ، زمین ها را دایر و این زمین ها حدود ۴۰۰ هکتار بود که فعلا در آنها گندم و چغندر کشت می شود . چندی است سروکله مالک پیدا شده . نزد هیئت هفت نفره شکایت کردیم حق را بیه جانب ما داد . ولی گفت کاری از دستش ساخته نیست! البته تا به حال با کمک اهالی ، مالک ده نتوانسته است کاری از پیش ببرد . . . " (کیهان - ۱۲ بهمن) .

درگیری مسلحانه در قریه درب گنبد نیز نمونه ای از پاسخ روستائیان است!

باز هم دروغ!؟

" به خاطر بالا رفتن درآمد مردم ، مخصوصا کارگر و مزد فراوان تری که امروز می گیرند ، طبقه پایین ، قدرت خرید مردم بالا رفته است " (رفسنجانی ، نماز جمعه پنجمین سالگرد انقلاب) .

این مخفیان در شرایطی گفته می شود که سختی تأمین معیشت مردم حتی مشار کارگری نخست وزیر را نیز قادر به بیان بخشی از حقایق کرده است:
" امروز بنبینم که با حداقل حقوق ، تقریبا کسی نمی تواند يك معیشت حداقل هم داشته باشد " (کیهان ۱۱/۱۸/۱۳۲۲) .

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به . . .

بقیه از صفحه ۱
متشکر است . ما به شما اطمینان می دهیم ، کارزار تبلیغاتی ای که پاره ای از محافل رجعایی به تبعیت از امپریالیسم تجار کار آمریکا علیه دست و همسایه نزدیک مردم ایران در کشور ما برپا کرده اند ، نخواهد توانست در اراد همیمن - دوستان ایرانی که خواهان بهبود و گسترش همه جانبه مناسبات میان ایران و اتحاد شوروی هستند دوچکتیرین خللی وارد آورد .

مردم میهن ما به خوبی واقفند که در ایمن لحظات سرنوشت ساز و حساس تاریخ کشور ما ، حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی همیمنه و در همه موارد دست دوستی به سوی مردم ایران دراز کرده و نقش مهمی در حفظ استقلال میهن ما ایفا نمودند .

ما به شما اطمینان می دهیم که در آینده نیز مانند گذشته ، با تمام قوا خواهیم کوشید تا رشته های دوستی و مودت بین حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی را مستحکم تر سازیم و در راه تحکیم حسن همجواری بین خلق های ایران و اتحاد شوروی از هیچ کوششی فرو گذار نکنیم .

ما اعتقاد راسخ داریم که مردم قهرمان اتحاد شوروی ، تحت رهبری حزب پرافتخار لنین به پیروزی های جهانشمول در لویه غرمنه های ساختمان جامعه کمونیستی ، در رفع خطر جنگ هسته ای ، در تأمین صلح و تنش زدایی در سراسر جهان ، ناائل خواهند آمد .
ما تند رستی و موفقیت شما را در ایفای مسئولیت عظیمی که در راه شکوفایی و تحکیم قدرت اتحاد شوروی ، - این ضامن سعادت مردم شوروی و صلح جهانی به عهده دارید از صمیم قلب آرزو مندیم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

زنان کارگر به دفاع از . . .

بقیه از صفحه ۷
صنعتی و طبقاتی زحمتکشان را منعکس می کردند و به دفاع از حقوق ویژه زنان کارگر می پرداختند . به همراه همه کارگران مرد وزن شاهد تعرض لجام گسیخته حاکمان ج ۱۰ ، بر دستاوردهای انقلاب اند .

خیانت رهبران ج ۱۰ به اهداف انقلاب و منافع زحمتکشان يك بار دیگر محیط های کارگری را بر جنب و جوش کرده است . هسته های انقلابی از زنان و مردان آگاه کارگر در کارخانه ها به افشا ، توطئه ها و دسائیس سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنان می پردازند . زنان کارگر ، به مثابه جزء جدانشدنی پذیر جنبش کارگری با حفظ وحدت و ایجاد شکل های کارگری به دفاع از حقوق پایمال شده خود بر می خیزند .

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا ، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

نامه خوانندگان

سخنی درباره شعر:

بسیاری از خوانندگان "راه توده" اندیشه ها و احساسات خود را در قالب شعر برای ما می فرستند. با تحسین احساسات پاک و عینق سرایندگان این اشعار، لازم است نکاتی چند در این زمینه تذکر داده شود:

بزرگان "شعر را" سیر و سلوک تاریخ در درون انسان "ارزیابی کرده اند و شاعر را پیامبر شمریده" رنج و آرزو از این رو ناگفته پیداست که وظیفه شاعر در انجام این رسالت تاریخی -

اجتماعی به پایه‌ای از تعهد می رسد که برای سهل انگاری در این عرصه محلی باقی نمی گذارد. هر چند پیام اصلی شعر در محتوای آن نهفته است و به عنوان یکی از اشکال آگاهی اجتماعی از قوانین عام هنر پیروی می کند، ولی شعر نیز مانند هنرهای دیگر، در درون خویش از قانونمندی های خود ویژه پیروی می کند. تفاوت هنر از غیر هنر در چگونگی بیان و ساختن آن نهفته است و آنچه هنر را از مقاله سیاسی و علمی و ...

مجزا می سازد، زبان تصویری آن است. علم، بیان واقعیت به کمک مفاهیم است، ولی هنر با آفرینشی واقعیت به پاری تصاویر است. شعر نیز، بیان، زبان و ساختمان و آهنگ خاص خود را دارد. هیر چند بیان زندگی واقعی و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت بشری و پرداختن به آیدیشه های والای انسانی، از وظایف اصلی هنر است. ولی این واقعیت ها باید بر اساس موازین ویژه این و آن هنر باز آفرینی شود. ما معتقد به محدودیت در شکل شعر نیستیم و تنوع اشکال را برای تکامل هر شعر لازم می شمیریم. ولی این تنوع به معنی لجام گسیختگی و هذیان سرپایی نیست. شکل های شناخته شده "اوزان عروضی (کلاسیک)، شعر نیایی (شعر آزاد) و شعر سپید (بدون رعایت وزن و قافیه) با بیان ویژگی شاعر که هویت او را مشخص می کند، انکار ناپذیر است؛ اما اهمیت فوق العاده مضمون شعر را نیز نمی توان نادیده گرفت. البته ارزش دادن به مضمون، به معنی پذیرفتن مضمون خوب در قالب است و یا در هم ریخته نیست. نه برای وزن شعر، بهایی بیش از اندازه باید قائل شد و نه برای بی وزنی. هر چند آهنگ در شعر به گونه ای می تواند شناسنامه شعر قرار گیرد و بر اثر بخشی آن بیافزاید، ولی اگر وزن عاری از تصویر باشد، به نثری موزون بدل می شود، نه شعر.

باید هم آهنگی در کلیت شعر را در نظر گرفت. برخلاف ساده اندیشان، آنگاه نیز که شاعر همه قیود وزن و قافیه را می شنند، وظیفه او دشوارتر می گردد، زیرا برای پرکردن خلا وزن، نیاز به تخیلی قوی تر و تصاویری غنی تر است، و تکه تکه نیسی نثر را نمی توان به مثابه شعر تلقی کرد.

چنین است که ما از همه خوانندگان عزیز

که شیفته هنر، و به ویژه شعراند و آن را تا پایه سرگرمی و متن تنزل نمی دهند، و از آن به عنوان سلاح مبارزه بهره می جویند، انتظار داریم که آسان گیری در این عرصه، زیبا را که با درون و عاطفه بشری پیوند می یابد و با روان آدمی به ورزش می پردازد، نپذیرند و سرسختانه به آموزش پیچ و خم های این سیر دشوار همت یگیرند؛ به ویژه این که برخی از سرایندگان، به قریحه! ولیه برای این منظور مجهزاند و جا دارد با جدیست بیشتر و با مطالعه آثار بزرگان شعیر و ادب فارسی به تربیت استعداد خویش بپردازند. و اگر ککی در این راستا از دست ما برآید، دریغ نخواهیم خرید. از این شماره سعی خواهیم کرد در همین ستون به نوبت به نامه های رسیده پاسخ لازم داده شود. منتظر نامه های شما هستیم.

● شعر "پیک امید" از "آزاد" که به مناسبت برگزاری هجدهمین پنلوم کمیته مرکزی حزب توده، ایران سروده شده است، از ذوق سراینده در بیان شاعرانه، موضوع حکایت دارد. این شعر با وزن عروضی سروده شده، اگر توجه بیشتری به قافیه و ردیف آن می شد، بهتر بود. در بیت اول می خوانیم:

"بر لب بام وطن ماه گهر بار نشست / دیو، پنهان زحقیقت به شب تار نشست." کیه در این بیت "گهر بار" و "شب تار" هم قافیه اند و "نشست" ردیف است. در بیت های بعدی، قافیه رعایت نمی شود و تنها از ردیف استفاده می شود:

"قاصد خوش خیر آمد ز سر لوی امید / بانگ یکپارچگی باز به آفاق نشست" که "آفاق" با بیت اول، هم قافیه نیست. در هر حال لازمه استفاده از بحسور شعر فارسی و اوزان عروضی، رعایت مختصات فنی آن است. از این شعر در جای خود استفاده خواهد شد. باز هم برای ما شعر بفرستید.

● دوست عزیز "آرمان انسانی" احساسات عمیقاً عاطفی و انسانی شما را می ستایم. شعر "پیشواز" شما که به مناسبت برگزاری هجدهمین پنلوم سروده شده است، با وجود این که گاه می رود که به زبان تصویر و بیان شعری نزدیک شود، ولی به علت عدم آشنایی با موازین شعری، به نثر پهلومی زند. شما را به مطالعه بیشتری دعوت می کنیم تا ذوق در مسیری آموخته شده همسوار گردد. پازه ای از شعر را نقل می کنیم:

"باز آ که بشر / زنجیرهای سنگین / بر دست و پا دارد / که بی پیروزی تو / باغ و بستان / از شکوفایی ابا دارد."

● دوست عزیز با نام "ارطمان" بسیار حوصله ای در خورد توجه نوشته "پرحجمی را به نام "ارمغان" برای "راه توده" فرستاد. ما است که متأسفانه در آن موازین شعری، جز قافیه های مکرر و مخل، رعایت نشده است. زبان طنز شما که در جای خود گیراست، اگر به نثر نگاه شده شود می تواند موفق تر از آب درآید.

حرف آخر حرف

"عبدالله، ولیعهد عربستان سعودی، حضو نظمی آمریکا در لبنان را به باد انتقاد گرفت. و گفت: ایالات متحده نه تنها باید نیروهای خود را از لبنان خارج سازد، بلکه اسرائیل را هم باید وادار به همین کار سازد."

— آتش لبنان چنان شور شده که "خان حاکم عربستان هم فهمیده!

● "ریگان سوریه را شدیداً مورد حمله قرار داد و گفت: سوریه یک کشور متجاوز است."

— دافره را به کیش خود بپرداز!

● "حجت الاسلام خامنه ای در خطبه دوم جمعه گفت:

"راد یوهای وابسته به صهیونیست ها آمریکا بی ها البته تهمت می زنند، اما خودشان هم می دانند که تهمت هایی که به انقلاب اسلامی ایران زده می شود دروغ است. ... بلندگوهای وابسته به خود آمریکا و صهیونیست ها جمهوری اسلامی را متهم می کنند به داشتن روابط و معامله سلاح با صهیونیست ها یا با آمریکا. این مطلب دروغی که بارها تکذیب کردیم و اگر تکذیب هم نمی کردیم یا موضع گیری های صریح جمهوری ما و انقلاب ما با منافع آمریکا، معلوم بود که دروغ و خلاف واقع است. ... ما افتخار می کنیم که با قدرت استکباری آمریکا و مزدوروش در منطقه، به شدت و به صورت پایان ناپذیری مخالفیم."

— زاهدان کاین جلوه بر محراب و منبر می کنند چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند!

● نخست وزیر: امروز ما اثرات جنگ را در همه جا می توانیم ببینیم. (اطلاعات، ۹ بهمن ۶۲)

— مخصوصاً در گورستان ها و ویرانه های شهر ها مان!

● هادی غفاری: نماینده تهران: "اینک پس از پنج سال باید ۱۰۰ آستین ها را بالا زد و کار کرد" (اطلاعات، ۸ بهمن ۱۳۶۲).

— بله، پنج سال خوردن و خوابیدن و "استراحت" کافی است!

● هادی غفاری: "مردم اینک به خوبی فهمیده اند که بار سنگین مسئولیت فزونی سراسر آور قیمت ها، احتکارها، توزیع های نامتعادل و به خصوص بازار سیاه کاذبی که همه چیز را به مسلخ پول می برد و آن را ذبح شرعی و غیرشرعی می کند، اگر نه کلاً لااقل به مقدار زیادی بردوش قوه قضائیه است. و امید است که پاسخ این حرف ها یک تبسم طبع نباشد" (همانجا).

— برو دعا کن که همان تبسم طبع باشد، و دشنام صریح یا اقدامات قبیح نباشد!

سیزدهمین سالگرد تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران، خجسته باد!

در مراسم بزرگداشت تولد سازمان، از توسط سرکوب سازمان که در شرف تکمیل است برده برداشته و نشان دادند که ج ۱۰ با این گام در پی تسخیر یکی از محکم ترین سنگرهای دفاع از انقلاب و منافع زحمتکشان و میهن ماست، آنان، در این مراسم یک بار دیگر تأکید کردند:

" گناه " بزرگ و بسیار بزرگ سازمان ما این است که با صدای رسا به مردم می گوید، این حکومت به انقلاب و خواست های محرومین پشت کرده است. ماهیت جنگ خانمانسوز ایران و عراق را که سران ج ۱۰ بر طبل آن می کوبند بر ملا می کند. جنایات رژیم در کردستان را افشا می نماید. سیاست های سرکوب گرانه و فاشیستی حکومت را محکوم می سازد. از حزب توده ایران قاطعانه دفاع به عمل می آورد. سازش و تسلیم رژیم به خواست های امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را فاش می کند و آگاه ساختن، متشکل کردن و هدایت صحیح مبارزات مردم را هدف خود قرار داده است "

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بار دیگر در این لحظات حساس و تاریخی، با خون رقیای شهید خود میثاق دوباره بستند تا هرگز پرچی را که آنان برافراشتند از کف رها نکنند.

— گرمی باد خاطره شهیدای به خون خفته فدائی خلق!
— خجسته باد سالروز تأسیس سازمان فدائیان خلق ایران!

مردم مترقی جهان: ...

بقیه از صفحه ۱۱

تظاهرات تیره های مترقی در ایالات متحده آمریکا علیه

بیدادگاه های نظامی در بسته تهران

روز جمعه ۹ دسامبر (۱۸ آذر)، تظاهراتی به مناسبت برپائی بیدادگاه های نظامی علیه میهن و ستان ایرانی بنا به ابتکار احزاب کمونیست آمریکا، شیلی، گویان و هواداران حزب توده ایران در منطقه شرق ایالات متحده، در مقابل مقر سازمان ملل متحد برگزار گردید.

تظاهر کنندگان، ضمن دادن شعارهایی جهت افشای اختناق و فشار در ایران و محکوم کردن بیدادگاه های در بسته نظامی، خواستار آزادی متهمان و کلیه زندانیان سیاسی مترقی گردیدند.

داشتند تا با بزرگداشت این روز تاریخی در زندگی سازمان برادر ما، پیمان خود را برای ادامه پیگیرانه اهداف میهن و ترقی خواهانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تجدید کنند و عزم خود را برای دنبال کردن راهی که سازمان برای پیوستن به شط خروشان جنبش کارگری ایران و جهان پیموه است اعلام دارند.

هواداران فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اکثر شهرهای بزرگ اروپای غربی در مساه فوریه، صحنه برگزاری مراسم و جشن های بزرگ داشت سیزدهمین سالگرد تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران بودند.

هواداران فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپای غربی از جمله در آلمان فدرال (برلن غربی - برلن - ویرتال - فرانکفورت) استکهلم، رم و دیگر شهرها مراسمی برپا

چگونه حقایق را تحریف می کنند

بقیه از صفحه ۹

و بالاخره اسرار سیاسی و اقتصادی رژیم در جریان مبارزه بر سر قدرت از زبان افرا د وابسته به این و یا آن جناح مخالف بازگو می شود و صفحات جراید و مجلات انباشته از این گونه افشاکاری ها است.

بعضا موضوع به اصطلاح اسرار جنگی مطرح می شود. این اسرار چیست؟ اگر منظور خرید اسلحه از اسرائیل و کره جنوبی و آمریکا و غیره است که در این مورد در مقاله در مطبوعات جهان منتشر گردیده و نام و نشانی واسطه ها نیز اعلام شده است. بدینسان اتهام " جاسوسی " فاقد پایه منطقی است. وانگهی چرا سران ج ۱۰ که روز روشن چراغ به دست در جستجوی جاسوسان به اطراف خود نظاره نمی کنند؟ سولیوان سفیر کبیر سابق آمریکا در ایران در خاطرات خود در تشریح قیام همافران در دوشان تپه و پیوستن نیروهای انقلابی به آنها و حمله به ستاد ارتش که عده زیادی از مستشاران و از آن جمله یک ژنرال آمریکائی در آنجا بودند می نویسد:

" در آن روز تا خیلی بعد از نیمه شب من همراه با جاسوسان ما در میان انقلابیون دوشیدیم تا افسران آمریکائی را از دامی که در آن افتادماند آزاد کنیم " (Fall 1980 Foreign Policy)

منظور سولیوان از جاسوسان و اعمال و دست نشاندهگان آمریکا مسیان انقلابیون " چه کسانی هستند؟ گروهی اوانه ای از این جاسوسان نمی برده ولی سران ج ۱۰ که باید بدانند چه کسانی در نجات جان مستشاران آمریکائی با سولیوان هم کاری کردند و این کسان مارانی بودند کسبه در آستین آنها پرورش یافته بودند.

برای پنهان ساختن این واقعیات تلخ است که حکام ارتجاعی نظرات حزب توده ایران را تحریف و مسخ و مثله می کنند و منظری به تیرگی باطن خویش از آن ترسیم می نمایند، باشد که آن را بی اعتبار و خاطری امپریالیسم خونخوار یا فکری را از این رهگذر آسوده سازند.

ازل هریک به نحوی برای به اصطلاح وارد آوردن ضربه " بر حیثیت و اعتبار مکتب های کمونیستی " وارد صحنه شدند. یورش به حزب توده ایران نیز ارتباط ناگسستگی با این رویداد در جهان دارد. سران ارتجاعی رژیم که راه نزدیکی به امپریالیسم آمریکا را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده بودند، خواه ناخواه می بایستست در کارزار ضد کمونیستی و ضد سوسیالیستی ریگان شرکت جویند.

چنین همسانی نظرات نه از علاقه متقابل، بلکه از همسانی منافع ناشی می شود. لیسم و ارتجاع داخلی را کین حیوانی به هر نوع تحول مترقی به هم پیوند می زند. صرف نظر از قشری کری، قبل از هر چیز مواضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارتجاع حاکم آن را به متحد بالقوه ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم تبدیل می کند.

رسانه های گروهی امپریالیستی پنهان نمی دارند که ایالات متحده آمریکا ارسال سلاح ها و لژیم یدکی، جنگی به ج ۱۰ را منوط به سرکوب حزب توده ایران کرده بود و پس از حمله به حزب و دستگیری اعضا آن و شروع کار دادگاه های فرمایشی ارسال مستقیم سلاح از آمریکا و نیز از طریق کره جنوبی و اسرائیل رونق گرفت. اتهام پیشرفته " جاسوسی " برای جلب مراحم " شیطان بزرگ " ضرورت داشت.

نخستین سوالی که در ارتباط با این اتهام مطرح می شود اینست که جاسوسی برای دست پایی به کدام اسرار؟ همه افسران میهن دوست که تحت عنوان " تشکیلات مخفسی " در بیدادگاه های رژیم محاکمه شدند، به درستی این سوال را پارها مطرح کرده و بی پایه بودن آن را کرارا خاطر نشان نمودند. واقعا هم ج ۱۰ چه سری دارد که این همه روی افشا آنها اسرار می برزد. همه اسرار پشت پرده ج ۱۰ از رشوه خواریهای کلان و دزدی بیت المال در بنیاد های فرمایشی و وزارت خانه ها گرفته تا اسرار مربوط به زد و بند های رژیم با امپریالیسم آمریکا

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



لبنان برای ریگان مانند ایران برای کارتر است

روزنامه "وال ستریت ژورنال" آرگان سرمایه داری مالی ایالات متحده آمریکا می نویسد: "بدترین بحران سیاسی در ارتباط با لبنان در برابر پرزیدنت ریگان قرار گرفته است". به نظر این روزنامه همسانی وحشتناکی میان شکست دولت کارتر در مسئله ایران و وضع کنونی ریگان در مسئله لبنان وجود دارد. ناکامی ایالات متحده در جلوگیری از سقوط رژیم شاه در ایران و شباهت وضع کنونی رژیم وابسته به آمریکا در لبنان با اوضاع رژیم شاه در آن روزها این مسئله را مطرح کرده است که آیا ایالات متحده آمریکا قادر است سیاست مستحکم در ارتباط با مسئله خاور نزدیک در پیش گیرد یا نه؟

۹ میلیون بیکار و ۳۴ میلیون گرسنه در آمریکا

از مجموع ۱۲/۲ میلیون جمعیت فعال ایالات متحده آمریکا ۹ میلیون تن بیکارند. هفته نامه "نیویارک سیتیز" نیز اندروید ریپورت که آیین ارقام را منتشر کرده، می افزاید ۵/۵ میلیون آمریکایی به قدری نا امید و بی اعتقاد شده اند که از کوشش برای جستجوی کار به کلی صرف نظر کرده اند. ۵/۹ میلیون نفر گرسنه، کار موقتی پیدا نمی کنند. اما ارقام مربوط به این ناممندان و دارندگان کار موقت در آمار رسمی بیکاران وارد نمی شود.

هنگامی که صحبت از گرسنگی به میان می آید مردم معمولاً کودکانه و نچیف و رنج کشیده از کشورهای جهان سوم را در نظر مجسم می کنند که دارای شکمی باد کرده و دست پائی لاغر است، اما کوشش های یک کمیسیون مردمی مرکب از محلمان، پزشکان، دانشمندان امور اجتماعی و فعالین مذهبی از ایالات نیویورک "نیوا انگلاند" نشان می دهد که در آمریکا هم گرسنگی به همان معنی وجود دارد.

واقعیات متعدد در گزارش ۱۲۲ صفحه ای این کمیسیون، ادعاهای مقامات رسمی را مبنی بر عدم گرسنگی در آمریکا تکذیب می کند و نشان می دهد که اینک ۳۴ میلیون آمریکایی با گرسنگی دست به گریبانند.

بهای کمک

در سال گذشته، کشورهای در حال رشد، مبالغ بسیار زیادتری در مقایسه با آنچه که از بانک های کشورهای امپریالیستی دریافت کرده اند بابت اصل و ربح قرض های گذشته به این بانکها پرداخته اند. نشریه "هندی فاینانشل اکسپرس" این نتیجه را از مطالعه گزارش

سالانه بانک بازاری و توسعه به دست آورده است.

برای این که به مقیاس غارت مالی کشورهای در حال رشد بیشتر بی ببریم بجاست به یسنگ واقعیت انکار ناپذیر اشاره کنیم: در سال گذشته، سیزده کشوری که به کشورهای امپریالیستی بیشتر از کشورهای دیگر بدی دارند ۲۱ میلیارد دلار بیش از وام های تازه خود به این کشورها، پول پرداخته اند. بدی کلی کشورهای در حال توسعه طی این سال ۴۴ میلیارد دلار بیشتر شده و به رقم نجومی ۸۱۰ میلیارد دلار رسیده است. افزایش این بدی ها تا اندازه ای هم بر اثر بالا رفتن بی بند و بشار نرخ بهره به وجود آمده است.

تهیه کنندگان گزارش، اعتراف کرده اند ادامه این وضع موجب آن خواهد شد که کشورهای بد هکار، سال به سال فقیرتر شوند. در سال ۱۹۸۳ آهنگ رشد این کشورها، پائین ترین میزان را از پایان جنگ دوم جهانی به این طرف داشته است.

قانون برای انتخابات ارگانهای محلی حکومتی در جمهوری دمکراتیک افغانستان

اخیرا در جلسه فوق العاده شورای انقلاب جمهوری دمکراتیک افغانستان قانون مربوط به انتخابات ارگان های محلی حکومتی مورد بحث قرار گرفت و به تصویب رسید. رفیق بیرک کارمل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب در ارتباط با پذیرش این قانون گفت که بنا تصویب آن، تضمین های پایداری در مورد شرکت فعالان زحمتکش و رهبری امور دولتی و زندگی سیاسی و اجتماعی کشور به وجود آمده است. نمایندگان مردم در ارگان های محلی حکومتی برای مدت چهار سال انتخاب می شوند و وظایف خود را به عنوان یک امر اجتماعی انجام می دهند، بدون آن که حقوقی در ازای آن دریافت کنند. این قانون، محق انتخاب را برای عموم پیش بینی کرده است. همه شهرزندان جمهوری دمکراتیک افغانستان که هجده سال داشته باشند، مستقل از منشأ خود، وضع اجتماعی، نژاد و ملیت، جنس، میزان تحصیلات و تعلق مذهبی می توانند انتخاب کنند و انتخاب شوند.

پاکستان در آستانه ساختن بمب اتمی

موافق ارزیابی عبدالقادر خان، کارشناس اتمی پاکستان در روزنامه "نوی وقت" رژیم نظامی پاکستان اگر تصمیم بگیرد می تواند هر لحظه بمب اتمی درست کند. این ارزیابی تمام اعلامیه های دولت پاکستان را مبنی بر این که برنامه های استفاده از انرژی اتمی این کشور خصلت صلح آمیز دارد باطل می کند. برنامه مخفی ساختن بمب اتمی پاکستان، "پروژه ۷-۶" نامیده شده است. مراکز اتمی پاکستان در اطراف شهرهای کاهرتا، کاهرتا، کاهرتا و

کراچی در تحقق این برنامه شرکت دارند. مناطق کوهستانی بلوچستان، تونل ویژه ای ساخته شده که باید انفجار اتمی در آن انجام شود. نظر کارشناسان هندی پاکستان، آن قدر مسو راد یو آکتیو در اختیار دارد که قادر باشد سالها چند بمب اتمی تولید کند. مبتکر اصلی و مشوق پاکستان برای ساختن بمب اتمی، ایالات متحده آمریکا است که در سایه های پنجاه راکتور اتمی در اختیار این کشور گذاشت و کارشناسانش را تربیت کرد. به ویژه ارسال بمب افکن های اف-۱۶ برای پاکستان که می تواند جنگ افزار هسته ای حمل کند، خطر بزرگی برای کشورهای همسایه این کشور محسوب می شود.

برای آشنایی بیشتر با موضوع درخاک از کشور فرستاده و همراه سید بانکی (بانی نشریه راه تووه) می فرستادیم.

حساب بانکی: Postbank 6000 Frankfurt Konto Nr. 633 97 - 602 Bankleitzahl 50010060
آدرس: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 600 Frankfurt 90

توجه
راه تووه از شماره ۸۲ به جا روزهای جمعه، روزهای دوشنبه منتشر خواهد شد.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!
رفقای هوادار حزب توده ایران در گوتنبرگ (سوئد) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

مهری از پاریس ۵۰۰ فرانک
مجید از برلن غربی ۱۰۰ فرانک
رفیق پرتغالی از فرانسه ۵۰۰ اسکناس

RAHE TUDEH
No. 81
Friday, 24 Feb 84
Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

| | | | |
|--------------|---------|--------|------|
| Price: | England | 30 | P. |
| West-Germany | Belgium | 22 | Fr. |
| 1 | Italy | 600 | L. |
| France | Fr. | U.S.A. | 50 |
| Austria | Sch. | Sweden | 3 |
| | | | Skr. |

